

نقد و ارزیابی توصیفی تحلیلی مقالات نوشته شده در باب منظومه کوش نامه از آغاز تا سال ۱۴۰۱

ماندانا فیروزآبادی*

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی گرایش حماسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

محمدرضا امینی**

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

زهرا ریاحی زمین***

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

چکیده

منظومه‌های حماسی با محوریت پهلوانان و شخصیت‌های اسطوره‌ای اغلب در ادامه داستان‌های شاهنامه و تکمیل‌کننده آن‌هاست. یکی از مهم‌ترین متون پهلوانی، منظومه کوش‌نامه اثر ایران‌شان‌بن‌ابی‌الخیر است که در اوایل قرن ششم هجری سروده شده است. در چند دهه اخیر با رشد تصحیح متون کهن فارسی، این گونه آثار با متونی منقح و چاپ‌هایی ارزنده در اختیار پژوهش‌گران قرار گرفته است و براساس آن‌ها موجی از پژوهش‌ها و مقاله‌ها ایجاد شده است. این آثار تحقیقی از یک‌دستی ساختاری و ارزش محتوایی هم‌سانی برخوردار نیست. بنابراین در مقاله حاضر به معرفی و شناساندن این پژوهش‌ها و واکاوی و ارزیابی ساختار و محتوای هریک از این آثار پرداخته شده تا تصویری بهتر از منظومه کوش‌نامه و حوزه‌های تحقیقی آن ترسیم و وجوه کارآمد و ناکارآمد پژوهش‌ها شناسایی شود. مجموع این مطالعات و دسته‌بندی‌ها افزون بر این که دیدگاه منسجمی از مقالات عرصه کوش‌نامه به مخاطبان می‌دهد، دستاوردهای متعددی

* firoozabadimandana@gmail.com

** aminifarsi@shirazu.ac.ir

*** z.riahizamin@shirazu.ac.ir

دربرداشته که نمایانگر برتری‌ها و کاستی‌های این پژوهش‌هاست. ناهمخوانی عنوان و محتوا، تحلیل‌های شتاب‌زده و گاه نامتقن، بیان مطالب تکراری، انتخاب موضوع‌های نامناسب از جمله ویژگی‌های منفی و تنوع موضوعی مقالات، تصحیح دوباره ابیات مبهم، توجه به جغرافیای گسترده منظومه و بررسی‌های تطبیقی کوشش‌نامه با شاهنامه و سایر منظومه‌های حماسی، از برجسته‌ترین ویژگی‌های مثبت پژوهش‌ها محسوب می‌شود.

کلیدواژگان: مقاله‌پژوهی کوشش‌نامه، متون حماسی، ارزیابی مقالات کوشش‌نامه پژوهی، کوشش‌نامه، ایران‌شان‌بن‌ابی‌الخیر.





مقدمه

کوش نامه، سروده ایران‌شان بن‌ابی‌الخیر [۱]، یکی از آثار مهم در گستره ادب حماسی است که بین سال ۵۰۱ تا ۵۰۴ هجری قمری به نظم درآمده است. این منظومه، داستان صدقهرمانی غیر ایرانی به نام کوش را روایت می‌کند که در دامان آبتین، پدر فریدون، پرورده می‌شود. او پهلوانی بدسیما، ویران‌گر و دژخیم است که در ادامه زندگانی خویش به فرمان‌روایی خوش‌سیما، مردم‌دار و آبادگر تبدیل می‌شود.

ویژگی شگفت‌انگیز این اثر آن است که قهرمان اصلی آن از فرزندان و نوادگان خاندان‌های پهلوانی ایرانی نیست. براساس روایت منظومه، کوش پیل‌دندان برادرزاده ضحاک تازی‌ست؛ اما پیشینه هویتی وی هنوز به‌طور قطع مشخص نشده است. برخی پژوهش‌گران وی را پهلوانی کوشانی معرفی می‌کنند (متینی، ۱۳۷۸: ۶۵۳؛ وثوقی، ۱۳۹۳: ۱۴۳ و ۱۴۴؛ غفوری، ۱۳۹۹: ۲۰۵)؛ عده‌ای نیز کوش را فردی سامی‌نژاد و روایات ستم‌گری وی را مربوط به پادشاهان آن قوم می‌دانند. بعضی نیز براساس مدارکی کوش را با کوش بن‌حام بن‌نوح یکی دانسته‌اند (همو، ۲۰۶).

شگفتی دیگر آن‌که در کوش نامه سرنوشت تعدادی از شخصیت‌ها و علل بعضی اتفاق‌ها در بستری متفاوت با شاهنامه جریان دارد و وقایع غالباً با نگاهی اسطوره‌زدایانه روایت شده است. از دیگر شگفتی‌های این منظومه پهنه جغرافیایی مطرح شده در آن است. داستان‌های این اثر از شرق تا چین و ماچین و بسیلا کشیده شده و از غرب تا آفریقا و اسپانیا گسترش یافته است. این موضوع باعث شده بعضی از پژوهش‌گران ریشه شخصیتی کوش را میان پادشاهان امپراتوری کوش آفریقا جست‌وجو کنند (بشیری، ۱۳۹۸: ۱۹۸) و عده‌ای دیگر در پی اثبات این‌همانی ماچین و بسیلا با ژاپن و شبه‌جزیره کره باشند (متینی، ۱۳۶۹: ۱۷۵؛ رجب‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۴۶ و ۸۱؛ ۷۰؛ وثوقی، ۱۳۹۳: ۱۴۵).

باوجود شگفتی‌ها و نوآوری‌های این روایت، خط داستانی آن در دوره‌های زمانی آشنا می‌گذرد. داستان از زمان مقابله جمشید و ضحاک آغاز می‌شود؛ پادشاهی فریدون و منوچهر را طی می‌کند و تا سلطنت کی‌کاووس ادامه می‌یابد. در این روند تاریخی کوش با افرادی نام‌آشنا چون آبتین، قارن، ضحاک، فریدون،

سلم و تور، کی کاووس و... تعامل دارد.

در ابتدای این منظومه، پنج داستان از اخبار پادشاهان روم روایت می‌شود که عبارت است از: داستان پادشاهی افریقس، داستان دقیانس، داستان پلاطس، داستانی در شاهی اسطیناس و داستانی از اسکندر در خاور. در داستان اخیر، اسکندر با دیدن تندیس کوش پیل‌دندان، مشتاق می‌شود که درباره کار و کردار او اطلاعاتی به‌دست آورد. با این شگرد خواننده نیز به داستان اصلی منظومه یعنی شرح زندگانی و وقایع حیات کوش هدایت می‌شود. هرچند در پایان منظومه، شاعر نه از سرانجام کوش سخن می‌راند و نه به داستان اسکندر بازمی‌گردد.

آن‌چه بیان شد اگرچه تنها بخشی از ویژگی‌های منحصر به فرد این منظومه است، اما ارزش خاص این متن را در پژوهش‌های حوزه اساطیر و متون حماسی به‌خوبی نشان می‌دهد. بنابراین ضرورت دارد تا در یک بررسی کلی، مقالاتی که درباره جوانب مختلف این منظومه پهلوانی ویژه انتشار یافته گردآوری، بررسی و ارزیابی شود.

در یک دورنمای کلی اولین گام پژوهشی درباره این اثر متعلق به کتاب‌هایی چون حماسه‌سرایی در ایران (۱۳۳۳) و تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۵۱) از صفاست که به معرفی این اثر پرداخته است. گام دوم را جلال متینی برداشته که منظومه تک‌نسخه کوش‌نامه را تصحیح و در سال ۱۳۷۷ چاپ کرده است. افزون بر این، وی تعدادی مقاله پیش از چاپ منظومه و چند مقاله پس از چاپ آن تا پایان دهه هفتاد منتشر کرده است. در دهه هشتاد پژوهش‌گران اندکی درباره کوش‌نامه مقاله نوشته‌اند. اما در دهه نود، خونی تازه در رگ پژوهش‌های حماسی جریان می‌یابد و کوش‌نامه بیش از پیش در مرکز توجه پژوهش‌گران قرار می‌گیرد و آثار بسیاری درباره جنبه‌های مختلف آن انتشار می‌یابد.

مطالعه دقیق این آثار تحقیقی و بررسی آن‌ها از نظر موضوعی، محتوایی و ساختاری و سنجش دستاوردهای آن‌ها به‌همراه ارائه آماری از کمیت این پژوهش‌ها و ترسیم سیر تاریخی آن، یافته‌های ارزش‌مندی را در اختیار پژوهش‌گران و علاقه‌مندان این حوزه قرار می‌دهد.

پیشینه

جست‌وجو در انواع منابع مختلف نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی در زمینه مقاله‌پژوهی آثار نوشته شده درباره کوش‌نامه انجام نگرفته است. بنابراین پژوهش حاضر نخستین اثری است که به جمع‌آوری، بررسی و ارزیابی مقالات عرصه کوش‌نامه و ترتیب زمانی انتشار آن‌ها می‌پردازد. گفتنی‌ست پیش‌تر آثاری به شکل مقاله‌پژوهی یا کتاب‌شناسی شاهنامه و آثار شاعران دیگر پدید آمده که شیوه کار آنان الهام‌بخش تدوین این مقاله بوده است. [۲]

۱. نگاهی به دوره‌های زمانی نگارش مقالات درباره کوش‌نامه

کوش‌نامه‌پژوهی را از منظر زمانی می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱. از ابتدا (۱۳۶۵) تا ۱۳۷۹

نخستین مطالبی که درباره کوش‌نامه نوشته شده به قلم متینی، مصحح منظومه، پیش یا پس از چاپ آن در بازه زمانی بین سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۹ نگاشته شده است. قهرمان سلیمانی نیز در سال ۱۳۷۸ بعد از چاپ، یادداشتی کوتاه برای معرفی آن منتشر کرده است. وی نخستین فردی است که افزون بر مصحح، به نوشتن درباره کوش‌نامه روی می‌آورد. بعد از سلیمانی با فاصله چند سال پژوهش‌گران به تحقیق درباره کوش‌نامه می‌پردازند.

تعداد مقالات این دوره در مجموع ۸ اثر است. در این زمان، تنها ۱ اثر در زمینه تصحیح متن نوشته شده است و موضوع بیشتر مقالات به حوزه متن‌پژوهی هم‌چون نیرنگ‌های کارزار، جغرافیای کوش‌نامه، تطبیق شخصیت‌ها و... تعلق دارد.

۲. از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹

در دهه هشتاد ۱۲ اثر به قلم نویسندگانی متفاوت چون رجب‌زاده، امیدسالار، آیدنلو، صرفی و... منتشر شد. در این دوره تنها ۱ مقاله به تصحیح متن اختصاص دارد و ۳ اثر در حوزه متن‌پژوهی با تکیه بر کوش‌نامه تألیف شده است. این پژوهش‌ها اغلب در زمینه جغرافیا و شخصیت‌های منظومه تألیف شده است. در این دوره، شاهد نگارش ۷ مقاله هستیم که به بررسی تطبیقی یک موضوع در دو یا چند منظومه می‌پردازد. ۱ مقاله نیز این متن را براساس نظریه‌های ادبی غرب

تحلیل می‌کند.

۳. از ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱

در این دوره تعداد مقالات و تعدد نویسندگان به اوج خود می‌رسد و ۴۳ مقاله به قلم نویسندگانی چون نحوی، غفوری، بشیری، اتونی و... انتشار می‌یابد. اکثر مقالات این دوره، مربوط به پژوهش‌هایی است که با محوریت کوش‌نامه و منظومه‌های حماسی دیگر نوشته شده است و ۱۷ اثر را شامل می‌شود. پس از آن بیشترین تعداد مربوط به مقالات متن‌پژوهی با تکیه بر متن کوش‌نامه است که موضوعاتی گوناگون چون مبانی کشورداری، زنان، جغرافیا و... را دربرمی‌گیرد. در زمینه نقد و تصحیح، بررسی‌های تطبیقی و به‌کارگیری نظریات غربی، در مقایسه با دوران پیشین رشد چشم‌گیری مشاهده می‌شود. هم‌چنین در این دوره در یکی از مقاله‌ها به مسائل سبک‌شناسانه منظومه پرداخته شده که آغازگر حوزه جدیدی در عرصه کوش‌نامه‌پژوهی است.

درباره منظومه کوش‌نامه مجموعاً ۶۳ مقاله نوشته شده که از این تعداد ۱ اثر در زمینه سبک‌شناسی، ۶ اثر در زمینه نقد و تصحیح، ۸ اثر با محوریت نظریات و رویکردهایی چون انسان‌شناسی کارل راجرز و آبراهام مزلو، ولادیمیر پراپ و...، ۲۳ اثر با تمرکز بر ظرفیت‌های موضوعی و مستقل کوش‌نامه و ۲۵ اثر با محوریت دو یا چند متن حماسی از جمله کوش‌نامه نگاشته شده است. افزون بر این ۶۳ اثر، ۲ پژوهش دوبار به چاپ رسیده [۳] و چاپ‌های تکراری در آمار کنونی لحاظ نشده است. در ادامه، مقالات مربوط به هریک از این عناوین جداگانه معرفی، تحلیل و نقد می‌شود.

۲. تحلیل و ارزیابی محتوایی مقالات نوشته‌شده درباره کوش‌نامه

۲.۱. مقالات مربوط به نقد و تصحیح کوش‌نامه

از منظومه کوش‌نامه تنها یک نسخه از قرن هشتم هجری باقی‌مانده که در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. جلال متینی در سال ۱۳۷۷ تصحیحی قیاسی از این نسخه چاپ کرده است و در مقدمه اثر بیان داشته که حدود ۵۰۰ بیت از منظومه هم‌چنان دچار ابهام است (نک. متینی، ۱۳۷۷: ۵۳). هم‌چنین، تعدادی از



ابیات دیگر هم که به ظاهر تصحیح شده، مجدد نیازمند بازاندیشی ست. مجموعه این عوامل تعدادی از پژوهش‌گران را برآن داشته که مقالاتی در نقد تصحیح این اثر یا در تصحیح مجدد ابیاتی از آن بنویسند.

اولین مقاله این گروه را خود متینی در سال ۱۳۶۶ پیش از چاپ منظومه نوشته است و برآن بوده که صورت صحیح ضبط نام قهرمان (کوش یا گوش) را بیابد. بعد از چاپ منظومه، محمود امیدسالار (۱۳۸۴) آغازگر نوشتن این گروه از مقالات است. وی در مقاله خویش تصحیح ۴۰ بیت از کوش‌نامه را بازبینی و بررسی می‌کند. مقاله دیگری در سال ۱۳۹۶ به قلم کامران ارژنگی نوشته شده که در آن ۱۰۹ بیت منظومه مجدد تصحیح قیاسی شده است. محمود رضایی دشت‌ارژنه در سال ۱۳۹۸، ۴۹ بیت را در مقاله‌ای بررسی و اصلاح کرد. اکبر نحوی نیز مقاله مفصلی در این حوزه مشتمل بر ۱۱۷ بیت تألیف کرده که در بردارنده اطلاعات تاریخی و جغرافیایی بسیاری ست. این مقاله در سال ۱۴۰۱ در کتاب نقش خیال؛ مجموعه مقالات ادبی و تاریخی، چاپ شده است؛ اما به دلیل این که رضایی در مقاله خود از آن یاد کرده است، باید تاریخ تدوین آن را سال ۹۸ یا پیش‌تر دانست.

افزون بر مقالات فوق، داریوش اکبرزاده در نوشته‌ای کوتاه به بررسی واژه «کنده» در مصرع «به کابل ز ناگه به کنده رسید» پرداخته است و براساس اطلاعات تاریخی مربوط به پایان کار ساسانیان، سعی در روشن کردن اصالت ضبط این واژه داشته است.

پژوهش‌گران در این مقالات شیوه عمل تقریباً یکسانی دارند و برای اصلاح ابیات به ضبط‌هایی که متینی در پاورقی داده نظر داشته‌اند و افزون بر نظر صائب خویش، غالباً در پی یافتن مشابهت‌هایی کلامی و مفهومی در دیگر ابیات کوش‌نامه و سایر منظومه‌های حماسی به‌ویژه شاهنامه بوده‌اند. به نظر نگارندگان آن‌چه بیش از هر چیز در تصحیح متون تک‌نسخه اهمیت دارد، بررسی سبک و شیوه سخن‌سرایی شاعر یا نویسنده است. شایسته است ابتدا پژوهش‌گران براساس کوش‌نامه و اثر دیگر این شاعر یعنی بهمن‌نامه، شیوه کلام‌آوری وی را کشف کنند. با این روش از بخشی از ابیات ابهام‌زدایی می‌شود، برای مثال نحوی (۱۴۰۱) در توضیح و تصحیح بیت ۶۳۵۶ با ذکر شماره ابیات کوش‌نامه و بهمن‌نامه

بیان داشته است که شاعر واژه «زره» را تنها با «گره» قافیه می‌بندد. در بیت ۶۵۰۳ نیز بیان داشته که واژه «شب» ۳۶ بار در جایگاه قافیه قرار گرفته و هربار با چه کلماتی قافیه شده و بسامد کاربرد کدام یک از این قوافی بیش‌تر بوده است. نحوی براساس همین آمار دقیق، ضبط مصرع دوم بیت ۶۵۰۳ را روشن می‌سازد.

مبحث دیگری که در تصحیح متون باید بدان توجه شود، بلاغت کلام است که گاه مغفول مانده، برای مثال ارزشمندی با توجه به فحوای کلام «نخندید» را مرجح دانسته:

فریدون چو آگاه شد زین سخن بدو تازه شد رنج‌های کهن
نخندید و گفت این سترگ پلید سر از راه یزدان به یک‌سو کشید
(کوش‌نامه، ۱۳۷۷: ابیات ۸۴۶۴ و ۸۴۶۵)

اما به نظر نگارندگان ضبط «نخندید» درست‌تر می‌نماید؛ گویی در بیت مذکور فریدون از شدت خشم، خنده‌ای عصبی سرداده است. در غیر این صورت چه تنگنایی در واژه‌یابی برای شاعر وجود داشته که بی‌دلیل بگوید فریدون نخندید!

افزون بر این، توجه به متون تاریخی و جغرافیایی در تصحیح متونی با تنوع جغرافیایی بسیار چون کوش‌نامه امری واجب است. نحوی (۱۴۰۱) با نظر به همین امر در ابیات ۴۱۱۰، ۷۹۹۶، ۸۴۷۸، ۸۴۸۸ و ۸۴۹۰ براساس دلایل و شواهد متقن، پرده از ابهام «ئرون، ئاحهه، خلایق، عجلسکس و بشکوبش» برمی‌گیرد و صورت صحیح و گاه نام امروزی این مکان‌ها را روشن می‌سازد. گفتنی‌ست ویژگی‌هایی چون ارائه اطلاعات تاریخی و جغرافیایی، آمارهای واژگانی به‌ویژه در قافیه، اشاره به ویژگی‌های سبکی کلام شاعر و... مقاله نحوی را از دیگران متمایز می‌کند.

هریک از مقالات بالا در روشن کردن تعدادی از ابیات کوش‌نامه بسیار سودمند و گره‌گشاست، اما باید در نظر داشت هم‌چنان ابهام‌هایی در متن باقی مانده که ضروری‌ست مصححان آن‌ها را رها نکرده و با توجه به اطلاعات حاصل از پژوهش‌ها و مطالعات جدید، بدان‌ها بازگردند، برای نمونه هم‌چنان درباب صورت صحیح نام قهرمان منظومه می‌توان قلم زد؛ زیرا در مقاله «کوش یا گوش» صورت



صحیح به روشنی بیان نشده، در پژوهش‌های متعددی درباره شخصیت و پیشینه هویتی کوش مطالب جدیدی بیان شده و از کتاب *مجمّل التواریخ و القصص* که چندین بار از کوش نام برده، سه نسخه دیگر در سال‌های اخیر پیدا شده است (رک. ناشناس، ۱۳۹۹: ۴۷-۵۱).

۲.۲. مقالات مربوط به متن پژوهی کوش‌نامه

مقالات متن پژوهی رتبه دوم بسامد را در میان مقالات کوش‌نامه دارد. از مهم‌ترین ویژگی‌های مثبت این دسته، تنوع موضوعی و ارزش هریک از آن‌ها در ابهام‌زدایی از منظومه است.

تعدادی از این مقالات به بررسی ویژگی‌های منحصر به فرد کوش‌نامه پرداخته و زوایای مختلف آن را روشن ساخته، برای مثال در چندین مقاله (متینی، ۱۳۶۹؛ رجب‌زاده، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱؛ وثوقی، ۱۳۹۳) از ارتباط ژاپن و کره با این منظومه سخن رفته و این‌همانی ماچین و بسیلا با ژاپن و کره مطرح شده است. آخرین پژوهش صورت گرفته در این زمینه (وثوقی، ۱۳۹۳) به تفاوت ضبط و موقعیت مکانی سیلا و بسیلا و ارتباط آن‌ها با راه‌های دریایی و زمینی ابریشم و احتمال یکی‌بودن سیلا و گنگ‌دز پرداخته و اطلاعات بسیار ارزش‌مندی در این زمینه بیان کرد است. در مقاله‌ای دیگر (اتونی و واتونی، ۱۳۹۹) یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین خصیصه‌های کوش‌نامه یعنی اسطوره‌زدایی بررسی شده و از بسیاری از تناقض‌های میان روایت‌های مشترک کوش‌نامه و شاه‌نامه پرده برداشته شده است. در کوش‌نامه به جای روییدن مارهایی بر دوش ضحاک، وی به بیماری خرچنگ مبتلا می‌شود؛ فریدون به جای پرورده شدن توسط گاو برمایه، در دامان برماین، وزیر سلکت [پادشاه دماوندکوه]، تربیت می‌شود و دیوان مازندران مردمانی تنومند دانسته شده‌اند. این دسته از آثار افزون‌بر روشن کردن بسیاری از زوایای مبهم یا ناآشنای متن، راه جدیدی بر پژوهش‌های آتی می‌گشاید.

تعدادی دیگر از آثار، مقالاتی‌ست که مجموعه اطلاعات ارزش‌مندی مانند پیشینه اسطوره‌ای و تاریخی داستان و شخصیت کوش را از منابع مختلف گرد آورده و یک‌جا و منسجم پیش‌روی مخاطب قرار داده است، برای مثال در «نگاهی به خاستگاه احتمالی روایات کوش پیل‌دندان» (غفوری، ۱۳۹۹)، مؤلف با بررسی سایر منظومه‌های پهلوانی، طومارهای نقالی و متون تاریخی و دینی، چگونگی

شکل‌گیری شخصیت کوش و کیفیت حضور داستان او را در متون مختلف روشن ساخته است، برای مثال مشخص کرده است در *اوستا* و متون پهلوی داستان کوش ضبط نشده، اما ردپای حضور وی را در متونی چون *سام‌نامه*، *برزنامه* جدید و *زرین‌قبان‌نامه* یا در بعضی از متون تاریخی چون *تاریخ طبری*، *مجم‌التواریخ* و *القصص و جامع‌التواریخ* می‌توان پی گرفت. هم‌چنین در مقاله «بررسی و مقایسه داستان کوش پیل‌دندان در *کوش‌نامه* و *طومارهای نقالی*» (صادقی نقدعلی علیا و بشیری، ۱۳۹۷) نویسندگان بیان داشته‌اند که در بسیاری از متون نقالی چون *طومار نقالی شاه‌نامه*، *هفت‌شکر*، *شاه‌نامه نقالان* و... از داستان کوش یاد شده است.

در مقاله «ارتباط منظومه *کوش‌نامه* با پادشاهان کوش در هزاره قبل از میلاد در آفریقا» (بشیری، ۱۳۹۸)، نویسنده برآن بوده که با توجه به نشانه‌ها و شباهت‌هایی که میان بخش دوم روایت *کوش‌نامه* و امپراتوری کوشی‌های آفریقا وجود دارد، پیوستگی میان آن‌ها را اثبات کند. بعضی از این نشانه‌ها عبارت است از: جریان وقایع روایت در مصر، آفریقا و مغرب، ارتباط کوش پیل‌دندان با کوش‌بن‌حام و ارتباط وی با امپراتوری کوش، ادعای خدایی کوش پیل‌دندان و اقامت وی در آفریقا و... .

در گروهی دیگر از این مقالات، مطالبی از کتاب‌های دیگر ارائه شده که در روشن کردن پیشینه بخشی از محتوای منظومه راهگشاست، برای مثال در مقاله «ترجمه منظوم دیگری از یادگار بزرگمهر» (متینی، ۱۳۶۵)، اندرزهای کتاب *یادگار بزرگمهر* با اندرزهای منظوم *شاه‌نامه* و *کوش‌نامه* مطابقت داده شده و نتایج درخور توجهی، درباره یکی‌بودن مرجع اندرزها به‌دست آمده است. در مقاله دیگری اردستانی رستمی (۱۳۹۹) بخش‌هایی از متون پهلوی، مانوی و تعدادی از آثار دوران اسلامی را که ارتباط معناداری با داستان پلاطس دارند ذکر کرده است و با تکیه بر نظریات جابه‌جایی اسطوره‌ها و شکستگی نقش‌ها در پی یافتن ریشه این داستان و هویت شخصیت‌های آن بوده است. این دسته از آثار در شناساندن منابع تحقیقی مرتبط با کوش و *کوش‌نامه*، نقشی بسیار مهم دارند. آگاهی از منابع و کتاب‌های متعدد *کوش‌نامه* پژوهی که گاه حتی دسترسی و آگاهی از محتوای آن‌ها آسان نیست، در پیش‌برد پژوهش‌های بعدی راه‌گشاست.



دسته‌ای دیگر از آثار شامل مقالاتی است که موضوع‌های متفاوتی را بنا بر ظرفیت محتوایی متن *کوش نامه* دنبال می‌کند، و مطالعه هر کدام از آن‌ها اطلاعات مفیدی را به دست می‌دهد. تعدادی از این موضوع‌ها عبارت است از: چوگان، خواب‌ها، کشورداری، جایگاه زن و... (متینی، ۱۳۷۰ الف و ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹؛ ملک‌پور علمداری و رسمی، ۱۳۹۶؛ الهامی و دیگران، ۱۳۹۸؛ مهراد، ۱۳۹۹؛ اسحق‌ی و فروزانفر، ۱۴۰۱). این دسته از آثار ابعاد متعدد اندیشگانی، رفتاری و اجتماعی حاکم بر منظومه را روشن می‌سازد. این اطلاعات هنگام سنجش و مقایسه آثار گوناگون، چه متعلق به یک زمان واحد، چه متعلق به دوره‌های زمانی متعدد سودمند خواهد بود، برای مثال با روشن شدن این مسأله که دیدگاه ضحاکیان و جمشیدیان به زنان در این منظومه یکی نیست، می‌توان به تفاوت جهان‌بینی این دو گروه بیش‌تر پرداخت. مثال دیگر این که در این منظومه آبتین در چند نوبت خواب‌هایی می‌بیند که نقش تعیین‌کننده‌ای در بازگشت وی از بسیلا به ایران و سپردن فریدون به پادشاه دماوندکوه و سیر رخ‌داده‌ها دارد.

بخش دیگری از مقالات، حول محور شخصیت‌های این منظومه می‌گردد، برای مثال در مقاله‌ای مدبری (۱۳۹۸) طالع نیک فریدون را براساس شکل اختران هنگام تولد وی تحلیل کرده است. این آثار گاه به شکل مطالعات تطبیقی با شاهنامه انجام گرفته و ویژگی‌های شخصیت منظور در هر دو متن باهم سنجیده و شباهت‌ها و تفاوت‌ها برشمرده شده است (متینی، ۱۳۷۰ ب؛ نحوی، ۱۳۹۰؛ دزفولیان و دیگران، ۱۳۹۴؛ علوی مقدم و کیخسروی، ۱۳۹۵). این آثار با جمع‌آوری و ارائه منسجم روایت‌های مختلف، امکان سنجش، مشخص کردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها، بررسی اصالت روایات مختلف و... را در اختیار پژوهش‌گر قرار می‌دهد، برای مثال در این منظومه، جمشید تا پایان عمر فردی یزدان‌پرست باقی می‌ماند، مبارزه سلم و تور با ایرج ریشه در باژطلبیدن وی از برادران خود دارد یا براساس قراین و شواهدی بین کاکوی شاهنامه و کوش این‌همانی وجود دارد.

باوجود تمامی نکات فوق که هریک نمایان‌گر ارزش و نقش مهم مقالات در شناخت و فهم هرچه بهتر منظومه است، کاستی‌هایی نیز در روند این دست از پژوهش‌ها، تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌ها وجود دارد که پرداختن به آن‌ها ضروری‌ست؛ چراکه چونان سرمشقی مانع از تکرار آن‌ها در آثار پیش‌رو خواهد شد. یکی از این

کاستی‌ها آن است که گاه به نظر می‌رسد پژوهش‌گران نکات محتوایی مهمی را فراموش کرده و همین باعث شده در پاره‌ای از قضاوت‌های خویش راه را به غلط بپیمایند، برای مثال در مقاله «بازنمایی بدن و تحلیل کنش‌های بدنی صدقه‌رمان در منظومه حماسی کوش‌نامه» نویسنده چندین بار متذکر شده که در اثر زیاده‌روی در خوردن گوشت، دو مار بر دوش ضحاک روییده است (نک. مهرداد، ۱۳۹۹: ۳۰۵ و ۳۰۶). این درحالی‌ست که براساس اصل اسطوره‌زدایی در کوش‌نامه، شاعر از بیماری خرچنگ یاد کرده و تنها در ادامه توصیف بیماری و شکل زائده‌های کتف ضحاک آن‌ها را به دو مار تشبیه کرده است:

شنیدم که ضحاک چندان بخورد که آمد سر هر دو کتفش به درد
همی درد خرچنگ خواندش پزشک یکی سرد بیماری سرد و خشک
شکیبا نبودی ز گوشت شکار برآمد سر کتف او چون دو مار
(کوش‌نامه، ۱۳۷۷، ابیات ۲۸۷۰ و ۲۸۷۱ و ۲۸۷۳)

پزشک معالج ضحاک نیز در این متن نه اهریمن که پزشکی هندی‌ست (رک. کوش‌نامه، ۱۳۷۷: ۳۰۳ و ۳۰۴) و در انتهای بخش «درمان کردن پزشک هندی ضحاک مار دوش را» شاعر درباره باور مردم به پزشک ضحاک و مارهای دوشش چنین سروده:

چنین داستان زد همی مرد و زن که هندو نبود آن که بود اهرمن
که شه را به خون ریختن کرد چیر وگرنه نبودی بدین‌سان دلیر
همانا نه درد است هست آن دو مار که از مردمان می‌برآرد دمار
سخن‌ها مرا این شگفتی بس است شناسنده مرتبه هرکس است
(کوش‌نامه، ۱۳۷۷، ابیات ۲۹۰۹-۲۹۱۲)

این ابیات نشان می‌دهد که شاعر با اندیشه‌ها و باورهای اسطوره‌ای آشنایی داشته است؛ اما یا به دلیل روی‌کرد شخصی یا بر مبنای منبع داستانی کوش‌نامه، آرای اسطوره‌ای در چشم ایشان شگفت آمده است. هم‌چنین گفتنی‌ست چنان‌که محل رشد و نمو ایران‌شان را ری یا همدان بدانیم (رک. نحوی و رضاپور، ۱۳۹۴: ۲۳؛ وهرام، ۱۳۹۴: ۱۱۴)، آن مناطق جایگاه اندیشه منطقی بوده و بی‌شک بر شیوه تفکر شاعر تأثیر داشته است.



نمونه دیگری از موضوعات بحث‌انگیز را می‌توان در مطالب مربوط به احتمال وجود داستان کوش در *خدای‌نامه* در دو مقاله غفوری (۱۳۹۹) و دزفولیان، شنکائی و دماوندی (۱۳۹۴) جست‌وجو کرد. هرچند برای روشن کردن صحت این احتمال باید به شناخت بهتری از *خدای‌نامه* دست یافت؛ اما متأسفانه در این باره اطلاعات اندک است و نظرات محققان با یکدیگر اختلاف زیادی دارد چنان‌که براساس نظر خالقی مطلق سنت *خدای‌نامه* نویسی را از زمان هخامنشیان باید دنبال کرد. اشکانیان نیز این سنت را از هخامنشیان گرفته و به ساسانیان انتقال دادند (رک. خالقی مطلق، ۱۳۹۴: ۱/ نوزده و بیست). تفضلی *خدای‌نامه* را متنی متعلق به دوران ساسانی می‌داند که اصل پهلوی آن به دست ما نرسیده است (تفضلی، ۱۳۸۶: ۲۶۹-۲۷۱). صفا، *خدای‌نامه* را شامل تاریخ و شرح وقایع و داستان‌های مربوط به پادشاهان ایران از نخستین پادشاه یعنی کیومرث تا آخرین پادشاهان ساسانی دانسته که در ضمن آن‌ها، داستان‌ها و اسطوره‌های ملی و مذهبی و تاریخی نیز نقل شده است. وی بیان می‌دارد که از ترجمه‌های عربی *خدای‌نامه* اثری باقی نمانده است (نک. صفا، ۱۳۷۴: ۸۵ و ۹۰). پژوهشی دیگر تا آنجا پیش رفته که مدعی است *خدای‌نامگ* یا *خدای‌نامه* کتابی کوچک، در حدود ده یا بیست تا سی صفحه و دربردارنده فهرستی از نام پادشاهان بوده است. (نک. هامین - آنتیلا، ۱۳۹۹: ۲۶۷). این نویسنده افزوده است «ما هیچ دلیلی برای اثبات وجود داستان قهرمانان دیگر سیستمی یا افراد دیگر در کتاب *خدای‌نامگ* نداریم. *خدای‌نامگ* به‌وضوح همان چیزی بود که عنوان آن می‌گوید، کتابی از پادشاهان، نه قهرمانان» (همو، ۲۶۴).

روشن است که به دلیل در دسترس نبودن متن اصلی یا حتی ترجمه *خدای‌نامه*، راه بر قضاوت نهایی بسته است و این فقدان باعث می‌شود نتوانیم درباره احتمال بهره‌گیری کتاب‌هایی چون *تاریخ طبری*، *تاریخ بلعمی*، *مجمل التواریخ و القصص* و... از *خدای‌نامه* با یقین سخن بگوییم.

در پژوهش‌های اخیر درباره هویت اصلی کوش تحقیقاتی صورت گرفته، اما هیچ‌یک از آن‌ها نسب کوش را به ایرانیان نمی‌رساند. عده‌ای پیشینه هویتی وی را به پادشاهی کوشانیان آفریقا نسبت می‌دهند (بشیری، ۱۳۹۸) و عده‌ای شخصیت دژخیمانه وی را یادگار حمله کوشی‌ها از شرق ایران می‌دانند (متینی، ۱۳۷۸؛ وثوقی،

۱۳۹۳؛ گازرانی، ۱۳۹۹). غفوری نیز در مقاله‌ای احتمال سامی‌نژادبودن کوش و ریشه‌داشتن شخصیت وی در کوش جبار عهد عتیق و کوش‌بن‌حام را مطرح کرده است (غفوری، ۱۳۹۹). گفتنی‌ست در صورت پذیرش وجود داستان کوش در *خدای‌نامه*، احتمال اخیر را می‌توان با تکیه بر این مطلب تقویت کرد که در قرون اولیه اسلامی روایت *خدای‌نامه* از سویی با کتاب‌ها و رساله‌های پهلوی که به عربی ترجمه شدند و از سوی دیگر با روایات عهد عتیق درباره پادشاهان بنی اسرائیلی و عربی درآمیخت (رک. موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳: ۵/۶۹۴).

گاهی نیز پژوهش‌گران ادعا کرده‌اند که شاعر آگاهانه و با هدف عبرت‌آموزی و آموزش مبانی کشورداری، رفتار ناشایست کوش و خاندانش را به تصویر کشیده است (رک. ملک‌پور علمداری و رسمی، ۱۳۹۶: ۲۳۰ و ۲۴۴). گویی فراموش کرده‌اند نمی‌توان با قطعیت، اراده شاعر اثر را در سیر روایت سهیم دانست؛ چراکه در منظومه *کوش‌نامه* شاعر می‌گوید که این اثر دارای منبعی بوده که از جانب دوستی به هدف سرایش در اختیار وی قرار گرفته:

یکی مهتری داشتم من به شهر که از دانش و مردمی داشت بهر
مرا گفت اگر رای داری بر این یکی داستان دارم از شاه چین
(*کوش‌نامه*، ۱۳۷۷، ابیات ۱۲۸ و ۱۳۲)

در بیتی دیگر نیز شاعر چنین سروده:

چنین آمد از *کوش‌نامه* پدید که نوشان دستور را برکشید
(*کوش‌نامه*، ۱۳۷۷، بیت ۴۸۰۲)

هرچند همواره این پرسش مطرح است که آیا در حقیقت چنین منبعی وجود داشته یا شاعر به تقلید از فردوسی چنین ادعایی را بیان کرده است. در خصوص منظومه *کوش‌نامه* به دلیل در اختیار نداشتن متن منبع محتمل آن نمی‌توان به سادگی ادعا کرد که آن چه در متن آمده براساس اندیشه و دیدگاه شاعر است. بسا تمام آن چه در این منظومه آمده عیناً در متن مرجع وجود داشته و شاعر متعهدانه آن‌ها را سروده است.

در مقاله‌ای نیز زروانیسم در *کوش‌نامه* بررسی شده است (ندافی و متوسلی، ۱۳۹۵). نویسندگان شواهدی از باور به جبرگرایی، نقش آسمان در تعیین سرنوشت



یا اهمیت طلوع و غروب خورشید را در این منظومه ارائه داده‌اند. باتوجه به گفته صاحب‌نظران حوزه حماسه که آثار حماسی بعد از شاهنامه را تحت تأثیر آن اثر سترگ و شیوه سخن‌سرایی فردوسی می‌دانند، شاید بتوان پاره‌ای از نشانه‌های حضور این اندیشه را در کوش‌نامه هم‌چون توصیف و اهمیت طلوع و غروب، به تأثیرپذیری از شاهنامه نسبت داد. اما در نگاهی ریشه‌شناسانه اگر داستان کوش را متعلق به دوران پیش از اسلام یا منطقه بین‌النهرین بدانیم، وجود اندیشه‌های زروانی در آن محتمل است.

در مقاله «سرگذشت اومروس و اومریسم» (شمیسا و صراف، ۱۳۹۶) نیز برخلاف تصور، نویسندگان خوانشی اومریستی از داستان منظومه ارائه نداده‌اند و مشابهت‌های داستانی و روایی کوش‌نامه با کتاب تاریخ مقدس اومروس بررسی شده است. این درحالی‌ست که به دلیل وجه اسطوره‌زدایانه منظومه، می‌توان ردپای این نظریه را در آن دنبال کرد، برای مثال در اندیشه اومریسم آمده است وقایع و شخصیت‌های اسطوره‌ای مابه‌ازایی در تاریخ و واقعیت دارند که به تدریج دست‌خوش اغراق شده‌اند (رک. همو، ۱۶۰). در کوش‌نامه نیز شاعر از بسیاری از افراد و وقایع اسطوره‌ای نمونه‌ای انسانی و باورپذیر ارائه داده است، از جمله در این منظومه دیوهای منطقه مازندران انسان‌هایی مبارز از قوم بجه و نوبی معرفی شده، یا پزشک معالج ضحاک نه اهریمن که پزشکی هندی‌ست.

اکنون باید به نکته‌ای اشاره کرد که به طور مشخص به تعدادی از مقالات جلال متینی مربوط است و هم‌زمان عیب و حسن آن‌ها محسوب می‌شود. وی در تعدادی از آثار خود تنها به بیان بخش‌هایی از منظومه کوش‌نامه پرداخته و تحلیل چندانی از آن ارائه نداده است. در نگاه کلی این آثار را شاید نتوان در زمره مقالات شمرد، اما توجه به تاریخ تألیف آن‌ها بیان‌گر این نکته است که این آثار یا پیش از چاپ کوش‌نامه یا در طول مدت زمانی اندک، پس از انتشار منظومه نوشته شده است. با دانستن این حقیقت درمی‌یابیم در آن موقعیت زمانی تا چه اندازه شناساندن منظومه کوش‌نامه و جزئیات محتوای آن، مهم و اثرگذار بوده است.

ضروری‌ست در پایان این بخش، به صورت صحیح نام شاعر نیز اشاره‌ای شود. درحقیقت قدیمی‌ترین منبعی که نام شاعر اثر در آن یاد شده کتاب مجمل‌التواریخ و القصص است که در نسخ متعدد آن نام شاعر به‌صورت‌های ایران‌شان،

ایران شاه و انشاه ثبت شده است. ملک الشعرای بهار، مصحح مجمل (ناشناس، ۱۳۱۸: ۹۲) و متینی، مصحح کوش نامه، ضبط ایران شان را به کار برده اند؛ اما امیدسالار در مقاله «یادداشت های کوش نامه» (۱۳۸۴) ضبط ایران شاه را برگزیده است. نحوی و رضاپور در مقاله ای با عنوان «ملاحظات دربارۀ بهمن نامه»، براساس شواهدی چون نسخ نویافته ای از کتاب مجمل و... بیان داشته اند که صورت صحیح نام شاعر کوش نامه و بهمن نامه، ایران شان بن ابی الخیر است (۱۳۹۴: ۱۳-۱۸). پس از نگارش و چاپ مقاله مذکور تا به امروز دربارۀ صورت صحیح نام این شاعر ادعای جدیدی مطرح نشده است. برهمین اساس و باتوجه به دلایل متقن صحت ضبط ایران شان، انتظار می رود پژوهش گران در آثار خویش صورت ایران شان را به کار ببرند؛ اما هم چنان در بسیاری از مقاله های نگارش یافته پس از سال ۱۳۹۴ (شاه بدیع زاده و اشرف زاده، ۱۳۹۷؛ نادری و نادری، ۱۳۹۷؛ اسحق و فروزانفر، ۱۴۰۱ و...)، هم چنان صورت ایران شاه ضبط شده است.

۳.۲. مقالات مربوط به سبک شناسی کوش نامه

در زمینه مباحث زبان شناسانه و سبک شناسانه تنها یک مقاله بر منظومۀ کوش نامه نوشته شده است. سامان رحمان زاده و هم کاران در مقاله ای با عنوان «ساختار زبان حماسی در کوش نامه ایران شان بن ابی الخیر» در چهار حوزۀ شاخص های آوایی و موسیقایی، شاخص های واژگانی و نحوی، شاخص های بلاغی و ادبی نیز شاخص های معنایی و محتوایی، زبان حماسی را در این منظومه کاویده اند. علی رغم تلاش نویسندگان دو ایراد کلی در مطالب آن به چشم می آید؛ اول آن که از روش هایی که نویسندگان (صورت گرایی، الگوی شهبازی و ملک ثابت) برای بررسی ساختار زبان کوش نامه به کار برده اند، تنها نام برده شده و در هیچ یک از بخش های مقاله دربارۀ آن ها توضیحی ارائه نشده است. در حالی که به دلیل مشهور نبودن این روش ها ضرورت داشت نویسندگان حداقل به طور خلاصه آن ها را معرفی کنند.

دوم آنکه در بهره گیری از پراچاع ترین منبع مقاله، یعنی کتاب حماسه پدیده شناسی تطبیقی شعر پهلوانی غفلتی صورت گرفته که از ارزش تحلیلی آن کاسته است. این کتاب ترجمه ای ست از شعر پهلوانی اثر سی. ام بورا همراه با

مطالبی درباره شاهنامه که مترجم، جلال خالقی مطلق، بدان افزوده است. مطالب کتاب شعر پهلوانی عمدتاً مربوط به حماسه‌های بدیهی و شفاهی‌ست و بورا خود در مقدمه کتاب بیان داشته که حماسه‌های فارسی را به دلیل مبدل شدنشان به آثار ادبی، از دایره تحقیقی خود بیرون گذاشته است (Bowra, 1952: V). خالقی نیز در ترجمه کتاب بدین نکته اشاره داشته که حماسه‌های ایرانی در زمرة حماسه‌های بدیهی و شفاهی جای نمی‌گیرد (ر.ک. خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۶۷-۷۰).

در مقاله مذکور نویسندگان با حذف کردن بخش‌هایی از جملات کتاب ترجمه شده، مطالب را ناقص بیان کرده و آن‌ها را با خواسته خویش مطابقت داده‌اند؛ برای نمونه در کتاب حماسه پدیده‌شناسی تطبیقی شعر پهلوانی، درباره بدیهه‌سرایی چنین آمده: «نفوذ عناصر قالبی و تکراری در زبان حماسه‌های بدیهی به منزله تاروپود این زبان است و این زبان برای شنوندگان آن زبانی کاملاً اخت و آشنا بود، درحالی که نفوذ چنین عناصری در زبان شاهنامه به هر علت که پدید آمده باشند، عناصری فرعی‌اند...» (خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۸۱) و نویسندگان مقاله چنین نقل کرده‌اند که «گاهی عناصر قالبی و واژگان و عبارات تکراری در زبان حماسی وجود دارند که به منزله تار و پود این زبان است» (رحمان‌زاده، مدرسی و نزهت، ۱۳۹۸: ۱۵۵). چنان که روشن است در این نقل قول بخشی از جمله اصلی کتاب که بیان‌گر تطابق نداشتن سخن بورا با حماسه‌های ایرانی‌ست، حذف شده است. درباره عناصر قالبی حماسه‌های ایرانی، می‌توان این فرض را مطرح کرد که شاعران حماسه‌سرای بعد از فردوسی به شدت از زبان شاهنامه تأثیر پذیرفته بودند و این امر موجب شده در آثار خود از جمله کوشنامه، ترکیباتی مشابه شاهنامه به کار برند. این ترکیبات و عبارات به تدریج به عنوان عناصری تکرارشونده و قالبی در متون حماسی شناخته شدند.

چنان که ملاحظه شد از میان مقاله‌های نگارش یافته درباره کوشنامه، تنها یک اثر به مبحث سبک‌شناسی پرداخته است. این درحالی‌ست که ایران‌شان‌بن‌ابی‌الخیر تنها شاعر حماسی‌سرایی‌ست که بیش از یک منظومه پهلوانی سروده است و مجموع ابیات کوشنامه و بهمن‌نامه تقریباً ۲۰۰۰۰ بیت است. بر همین اساس شایسته است مقاله‌های بیش‌تر و جزئی‌نگرتری درخصوص ظرایف سبکی این اثر، طرز سخن شاعر، تفکر رایج در زمان حیات و موقعیت

جغرافیایی و زندگانی شاعر و... تألیف شود.

۲.۴. مقالات مربوط به اعمال نظریه‌ها بر متن کوش‌نامه

در این مقالات یک یا چند نظریه غربی، به عنوان اندیشه مرکزی نگارش مقاله برگزیده شده و نویسندگان مؤلفه‌های آن را در منظومه حماسی جست‌وجو کرده است. مقالات این گروه را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد؛ دسته‌ای که محور نظریه بر ویژگی‌های روایت‌شناسانه کوش‌نامه استوار است و دسته‌ای دیگر که به جنبه‌های اسطوره‌شناسی و روان‌شناسانه متن می‌پردازد. از جمله آثار دسته اول مقاله‌ای است که نویسنده دو بخش از داستان کوش‌نامه را براساس الگوی قصه پریان پراپ طبقه‌بندی کرده است (کوپا و موسوی، ۱۳۸۹) یا در مقاله «سفر به جهان زشت‌رویی کوش با تغییر پیرنگ گفتمان روایی کوش‌نامه از ژانر حماسی به ژانر عرفانی» (حدادی و دیگران، ۱۳۹۳) نویسندگان براساس نظریه دیوید هرمن در باب جهان‌پردازی روایی در تحول پیرنگ داستان، نظریه گریگ درباره سفر به جهان روایت و نظریه زمان روایی ژنت، نشان می‌دهند که با تغییر ظاهری کوش جهان روایی داستان هم تغییر می‌کند و طرح جامع پیرنگ داستان از ژانر روایی حماسی به ژانر روایی عرفانی تحول می‌یابد.

نمونه‌های دسته دوم نیز عبارت است از: مقاله‌ای که کهن‌الگوی پیر خردمند و ولادت دوباره با شخصیت پیر فرزانه، تغییر بنیادین شخصیت و ظاهر کوش مطابقت داده شده است (شاه‌بدیع‌زاده و اشرف‌زاده، ۱۳۹۷)؛ مقاله‌ای با محوریت نظریه سفر قهرمان جوزف کمپبل که سیر زندگی و سفر درونی و بیرونی کوش، گذر از مراحل سه‌گانه عزیمت، تشریف و بازگشت و تحولات وی بررسی شده است (هاشمی و دیگران، ۱۴۰۰) و مقاله‌ای که با تکیه بر نظریه عقده حقارت آلفرد آدلر شخصیت کوش را کاویده است و زشت‌روی و رهاشدگی وی را دو عامل اصلی این پدیده دانسته است (عبدالله‌پور و دیگران، ۱۴۰۱).

گفتمانی‌ست گاه این آثار با تکیه بر چند منظومه حماسی نگارش می‌یابند، برای مثال در مقاله «بررسی شخصیت‌های منظومه‌های حماسی بهمن‌نامه، کوش‌نامه، فرامرزن‌نامه، گرشاسب‌نامه، براساس نظریات انسان‌شناسی کارل راجرز و آبراهام مزلو» (اشرف‌زاده و عباسی، ۱۳۹۷)، نویسندگان طبقات مختلف هرم مزلو را



که هریک نمایانگر نیازی در انسان و مرحله‌ای از رشد وی است در بخش‌های مختلف روایت و داستان منظومه‌های بیان شده جست‌وجو می‌کنند.

۲. ۵. مقالات مشترک عرصه کوش‌نامه، شاهنامه و منظومه‌های حماسی دیگر

از اواخر دهه هشتاد گروه جدیدی از مقالات به طیف پیشین اضافه شد. در این گروه از آثار نویسنده یک موضوع واحد را در تعدادی از منظومه‌های حماسی بررسی و تحلیل می‌کند. مجموع مقالاتی که کوش‌نامه یکی از منابع تحقیقی آن‌ها بوده است جمعاً ۲۶ اثر است که ۱ اثر در دهه هفتاد، ۷ اثر در دهه هشتاد و ۱۷ اثر در دهه نود نگاشته شده است. این آثار موضوع‌های متعددی چون انسان‌جانور، آز، خرد، نقش بازرگانان، سیر داستان، ازدواج، سوگواری، دیو و اژدها و... را در برمی‌گیرد.

در دسته‌ای از این مقالات تنها تعداد محدودی از منظومه‌های حماسی، محور پژوهش قرار گرفته شده است و اغلب نام منظومه‌های بررسی شده در عنوان مقاله ذکر شده است. درمقابل در گروه دیگر تعداد آثار بسیار زیاد است و غالباً در عنوان نامی از آن‌ها نیست و با عبارت «متون یا منظومه‌های حماسی» از آن‌ها یاد شده است. این دو گروه مقاله افزون‌بر تعداد منظومه‌های منتخب، در محتوا نیز با یکدیگر تفاوت دارد؛ در مقالات دسته اول تعداد منظومه‌ها اندک است، اما موضوع منتخب، مفصل‌تر در آن‌ها بررسی شده است. در گروه دوم معمولاً تعداد آثار بیش‌تر و میزان پردازش هریک از آنان اندک است.

از مقالات گروه اول می‌توان به مقاله «نقش بازرگانان در پیوندهای زناشویی و روند داستان در منظومه‌های حماسی (گرشاسب‌نامه، کوش‌نامه، فرامرزنامه و بهمن‌نامه)» (بساک و توکلی، ۱۳۹۱) اشاره کرد. براساس این اثر در منظومه کوش‌نامه بازرگانان در دو بخش حضور فعال دارند؛ یکی آن‌گاه که آبتین قصد رفتن به سرزمین بهک را دارد و از کاروانی بازرگانی کمک می‌گیرد و دیگری آن‌گاه که کوش با حيله و هم‌دستی بازرگانی چینی به جزیره دست‌نیافتنی طیه‌ور شاه راه می‌یابد.

در مقاله دیگری (دزفولیان و دیگران، ۱۳۹۴) از چندین شخصیت و موقعیت جغرافیایی در شاهنامه، گرشاسب‌نامه و کوش‌نامه بررسی تطبیقی به عمل آمده

است، برای مثال در *کوش‌نامه* جمشید پادشاهی ایزدپرست، برماین وزیر پادشاه دماوندکوه، دیو سپید از اولاد حام‌بن‌نوح و مازندران در آفریقا است. در مقالهٔ دیگری نیز توتم در تعدادی از آثار حماسی بررسی شده است (ستاری و دیگران، ۱۳۹۶). براساس این پژوهش انواع توتم به دو دستهٔ حیوانی و گیاهی تقسیم می‌شود و برای مثال اسب توتمی‌ست که خود موضوع مقاله‌ای مجزا قرار گرفته است (غیبی، ۱۳۹۶) و در آن پژوهش از اسب‌های آبی‌نژاد *کوش‌نامه* سخن رفته است.

در مقالهٔ دیگری با عنوان «بررسی چند روایت از نبرد ایرانیان با دیوهای مازندران در متون پهلوانی پس از *شاهنامه*» (غفوری، ۱۳۹۶) نویسنده در *شاهنامه* و تعدادی از منظومه‌های حماسی ماجرای مازندران را پی گرفته است. در این اثر آمده است که در *کوش‌نامه* دو روایت از نبرد ایرانیان و مازندران وجود دارد؛ یکی روایت حملات آن‌ها در زمان پادشاهی فریدون که در نهایت به وسیلهٔ کوش دفع می‌شود و دیگری که در زمان کی‌کاووس رخ می‌دهد و او با تشویق کوش به نبرد مازندرها می‌رود. اکبری مفاخر (۱۳۹۱) در مقالهٔ «بنیادهای اساطیری و حماسی داستان دیوان مازندران در *شاهنامه*» دربارهٔ روایت اول یادآور می‌شود ریشهٔ جنگ فریدون و دیوان مازنی در دینکرد است. وی در این مقاله موقعیت مازندران و ماهیت دیوان را در دینکرد، *شاهنامه*، *بهمن‌نامه* و *کوش‌نامه* بررسی و مقایسه می‌کند و در نهایت بیان می‌دارد که در متون ایرانی دو دیدگاه دربارهٔ دیوان مازندران وجود دارد؛ یکی باور حاکم در دینکرد و گزارش نخست *کوش‌نامه* که مازندرانی‌ها را انسان‌های ستبر و تنومند می‌داند و دیگری باور *شاهنامه* و گزارش دوم *کوش‌نامه*. بدین ترتیب که مازندرها در *شاهنامه* دیو و در *کوش‌نامه* به دلیل اسطوره‌زدایی، انسان‌هایی هستند که با عناوین دیو سپید، ارژنگ و... نامیده شده‌اند.

اندک‌بودن دایرهٔ پژوهشی این گروه از مقالات باعث شده است نویسنده موضوع پژوهش را به‌صورت دقیق و همه‌جانبه در متون انتخابی بکاود و مطالب ارزش‌مندی از بررسی تطبیقی آن‌ها ارائه دهد، برای مثال «مازندران» یکی از مهم‌ترین موضوع‌های حماسی‌ست که در متون مختلف از آن و مردمانش سخن رفته است و چنانکه گفته شد در دو مقالهٔ فوق نویسندگان به‌شایستگی دربارهٔ آن

تحقیق کرده و بسیاری از ابهامات را زوده‌اند.

از مقالات دسته دوم نیز می‌توان به مقاله «بررسی کارکرد دیو در منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه» (ریاحی‌زمین و جباره ناصرو، ۱۳۹۱) اشاره کرد. در این مقاله ۱۱ منظومه مشهور پس از شاهنامه بررسی شده و روشن می‌شود در کوشنامه دو گروه دیو وجود دارد؛ یکی دشمنان و مهاجمان و دیگری صفات زشت و پلید انسانی. از این خانواده می‌توان از اثر دیگری نیز یاد کرد که عنصر پیش‌گویی را در ۱۷ منظومه بررسی می‌کند (مقصودی‌نژاد و دیگران، ۱۴۰۰). بنابر این پژوهش در کوشنامه پیش‌گویی‌هایی از طریق اخترشناسان، شاهان و شاهزادگان، خواب و رویا صورت می‌پذیرد، برای مثال جمشید سرنوشت پسرانش و فرزند جمشید، نونک، تولد فریدون و شکست ضحاک را پیش‌گویی می‌کند. در مقاله دیگری آداب و رسوم مربوط به تدفین سکاها در چندین منظومه حماسی بررسی شده است (شامیان ساروکلانی، ۱۳۸۷)، برای مثال ذکر شده که در کوشنامه در سوگ نیواسب دم و گیسوی اسبان را می‌برند یا کوش در سوگ همسرش نگارین، موی او را می‌برد و بر میان می‌بندد.

شایان ذکر است که گروه اخیر از مقالات مشترک گاه چهار آفاتی می‌شود. شایع‌ترین آن‌ها نپرداختن به تمام ظرایف و جزئیات متون است، برای مثال در مقاله «پیش‌گویی در منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه» نویسندگان به خواب‌های سرنوشت‌ساز آبتین در کوشنامه اشاره‌ای نکرده‌اند یا در مقاله «آیین تدفین سکاها بر پایه سروده‌های حماسی ایران» نویسندگان ذیل تندیس مرده به این مهم که کوش بعد از مرگ دخترش دستور داد تا چون شمایل وی بتی بسازند، اشاره‌ای نداشته‌اند (کوشنامه، ۱۳۷۷: ۴۱۱).

نوع دیگری از این آفات آن است که نویسندگان در چکیده یا مقدمه اثر خویش یادآور شده‌اند که کدام‌یک از منظومه‌های حماسی محور پژوهش آنان بوده است؛ اما در تنه اصلی مقاله اشاره‌ای به بعضی از آن آثار نشده است. در چنین موقعیتی دو احتمال وجود دارد؛ یکی آن‌که نویسندگان در ارائه شواهد از تمامی متون محوری، دقت کافی مبذول نداشته‌اند و دیگر آن‌که در متن آثار مغفول، موضوع مقاله نمود نداشته است. در صورت صحت ایده دوم شایسته می‌نماید که نویسندگان در بخش نتیجه‌گیری بدین مهم اشاره کنند و مخاطب را

آگاه نمایند. نمونه‌ای از این ایراد را می‌توان در مقاله «گرگ در منظومه‌های حماسی ایران» (رضائی اول و شامیان ساروکلائی، ۱۳۸۸) و مقاله «که آن ازدها زشت‌پتیاره بود (ویژگی‌ها و اشارات مهم بن‌مایه «ازدها و ازدهاکشی» در سنت حماسی ایران)» (مشتاق‌مهر و آیدنلو، ۱۳۸۶) مشاهده کرد. در این دو اثر نویسندگان در چکیده از کوش‌نامه به‌عنوان یکی از منابع پژوهش یادکرده‌اند اما در متن یا در نتیجه‌گیری هیچ شهادتی از آن ارائه نداده‌اند. در مقاله «چند بن‌مایه و آیین مهم ازدواج در ادب حماسی ایران» (آیدنلو، ۱۳۸۷) نیز نویسنده ذیل مطالب مربوط به ازدواج با محارم، به وجود این پدیده در متن کوش‌نامه اشاره نکرده است. در این منظومه کوش بعد از فوت همسرش بر سر آن است که با دختر خویش ازدواج کند (کوش‌نامه، ۱۳۷۷: ۴۰۷).

نوع دیگری از این کاستی‌ها را نیز در مقاله «غریو و خروش پهلوانان در حماسه‌های پس از شاهنامه تا قرن نهم» (طالبان و دیگران، ۱۴۰۰) می‌توان دید. در بخش پیشینه پژوهش این مقاله نویسندگان از مقاله متینی (۱۳۷۸) با عنوان «برخی از نیرنگ‌های کارزار در کوش‌نامه» یاد کرده‌اند؛ در حالی که مطالب ذکرشده ذیل منظومه کوش‌نامه عیناً از آن مقاله گرفته شده است. هم‌چنین در این بخش تنها در ابتدای نقل قول گیومه به کار رفته است و ارجاع درون‌متنی به مقاله متینی داده نشده است؛ با این حال اطلاعات کتاب‌شناسی آن در بخش فهرست منابع ذکر شده است.

شایان ذکر است که در بعضی مقالات، موضوع منظور تنها در کوش‌نامه و منظومه دیگری بررسی می‌شود. این آثار عبارت است از: یک، مقاله «اسطوره انسان‌جانور در کوش‌نامه و گرشاسب‌نامه» (صرفی و مریخی، ۱۳۸۸) که نویسنده در آن انواع این گونه را در سه دسته کلی انسان‌جانوران ترکیبی، شگفت‌چهرگان و دیومردم تقسیم کرده است و دیگری مقاله «مفهوم‌شناسی از در حماسه‌های پس از شاهنامه با تأکید بر کوش‌نامه و فرامرزنامه» (کیخا و دیگران، ۱۳۹۷). در این اثر نیز نویسندگان بیان داشته‌اند از مفهومی‌ست که در سه سطح قدرت، ثروت و شهوت در سراسر روایت کوش‌نامه سایه افکنده و از حکمت ایران باستان و آموزه‌های اسلامی بهره گرفته شده است.



۳. ساختار و سبک مقالات

اغلب مقالات منظومه کوش نامه در دو دهه اخیر نوشته شده است؛ این دسته از مقالات همگی با چکیده و کلیدواژگان آغاز می شود، با مقدمه و پیشینه ادامه می یابد و بعد از تنه اصلی مقاله با بخش نتیجه گیری و فهرست منابع پایان می پذیرد. هم چنین تعدادی از مقالات دارای بخش پی نوشت است که اطلاعات ارزشمندی را برای تکمیل مطالب پیشین بیان می دارد. در مقابل، آن دسته از آثاری که در دهه شصت و هفتاد تألیف شده از ساختار امروزی مقالات برخوردار نیست. در این آثار بلافاصله پس از عنوان مقاله، مطالب بدون تفکیک مقدمه و تنه اصلی و... ارائه می شود و در پایان نیز در بخش یادداشت ها علاوه بر مطالب تکمیلی، منابع به کار برده شده هم آورده می شود.

زبان در اکثر آثار روشن و گویاست، اما گاه در رعایت نکات نگارشی و ویرایشی به ویژه نیم فاصله و غلط های چاپی بی دقتی هایی وجود دارد که تمرکز مخاطب ریزبین و نظم نوشته را برهم می زند.

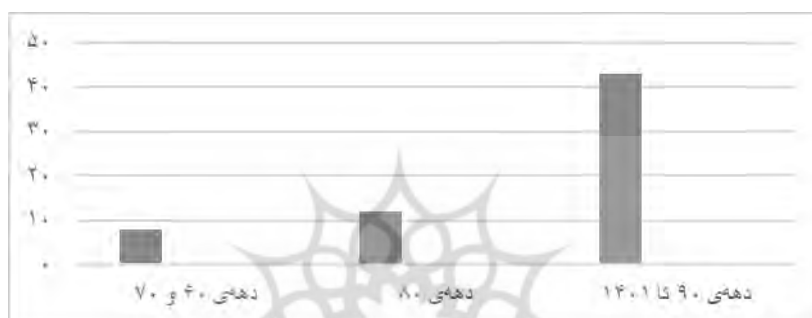
در شماری از مقالات نیز نویسندگان نامی درخور برای اثر خویش برگزیده اند. بدین صورت که عنوان چندان با محتوای ارائه شده هم سو نیست، برای مثال اکبرزاده (۱۳۹۴) بر مقاله خود عنوان «یادداشتی بر اسطوره ضحاک (مطالعه تطبیقی میان شاهنامه، کوش نامه و گزیده ای از متون اسلامی)» نهاده است، حال آن که محتوای مقاله بر محور بررسی تطبیقی پزشک ضحاک و پزشک هارون رشید بنا شده است یا متینی (۱۳۶۹) مقاله ای را که در آن شخصیت فریدون هیچ نقشی ندارد، «فریدون و سرزمین آفتاب تابان» نامیده است. تعدادی از مقالات نیز دارای عنوان اولیه و ثانویه است؛ اما عنوان اولیه، چندان روشن گر نیست و بدون توضیحات عنوان ثانویه، خواننده پی به موضوع و محتوای مقاله نمی برد، برای مثال مقاله «که آن اژدها زشت پتیاره بود (ویژگی ها و اشارات مهم بن مایه اژدها و اژدهاکشی» در سنت حماسی ایران)» (مشتاق مهر و آیدنلو، ۱۳۸۶) یا مقاله «موی بر میان بستن (آیین ویژه سوگواری در شاهنامه و متون ایرانی)» (آیدنلو، ۱۳۸۷).

کلیدواژه ها نیز در تعدادی از مقاله ها با دقت کافی انتخاب نشده است. گاه این واژگان کلی و مبهم است و مخاطب را به محتوای پژوهش رهنمون نمی شود،

برای مثال در مقاله «انواع ادبی در حماسه‌های ملی ایران» (صرفی و دیگران، ۱۳۸۷)، کلیدواژه‌های انتخابی چنین است: «حماسه ملی ایران، انواع ادبی، انواع مشترک». چنان‌که مشاهده می‌شود این کلمات مطالبی بیشتری از آن‌چه در عنوان اثر آمده است بر مخاطب روشن نمی‌کند.

۴. نمودارها

نمودارهای زیر نمایان‌گر تعداد مقالات مربوط به کوش‌نامه و دسته‌بندی موضوعی هریک در بستر زمانی است:



نمودار شماره ۱: تعداد مقالات کوش‌نامه در بستر زمان



نمودار شماره ۲: توزیع موضوعی مقالات کوش‌نامه در بستر زمان



۴. ۱. تحلیل نمودارها

موضوع مقالات کوشنامه پژوهی را از دو منظر تنوع و توزیع زمانی می‌توان تحلیل کرد. تنوع موضوعی این آثار بسیار گسترده و درخور توجه است. موضوعات متعددی چون جغرافیای کوشنامه، پیشینه هویتی کوش، بررسی شخصیت‌های منظومه، تطبیق بخش‌های مختلف روایت با نظریه‌های روان‌شناسانه و ادبی غربی متعدد و... در دستور کار پژوهش‌گران قرار گرفته است.

از نظر زمانی در دهه شصت و هفتاد، مقالات غالباً بر محور خود منظومه کوشنامه نوشته شده است؛ اما در دهه هشتاد و نود افزون گویی تمرکز بر بررسی موضوعی واحد در منظومه‌های حماسی متعدد بوده است. دلیل رشد این آثار را باید شناخت و مطالعه گسترده منظومه‌های پهلوانی دانست. درک و دریافت مشابهت‌های ساختاری و محتوایی میان این متون، پژوهش‌گران را بر آن داشته است که موضوع‌های مشترک میان منظومه‌های پهلوانی را بررسی و نتایج حاصل از آن را در پژوهشی واحد ارائه دهند. افزون بر این، به دلیل آشنایی بیشتر پژوهش‌گران در دهه اخیر با طیف گسترده‌ای از نظریه‌های غربی، تألیف آثاری که براساس تطبیق محتوا یا ساختار منظومه با این نظریه‌ها نوشته شده، افزایش یافته است.

براساس نمودارها از نظر زمانی اوج تألیف مقالات کوشنامه پژوهی دهه نود است. دلایل احتمالی این امر را می‌توان رشد مجلات و همایش‌های ادبی، تقسیم‌بندی ادبیات فارسی به گرایش‌های مختلف و توجه دانش‌جویان و استادان گرایش حماسی به مجموعه آثار این حوزه ادبی و ضرورت شناساندن زوایای مختلف آن‌ها، تمرکززدایی از شاهکارها و آثار درجه یک ادبیات فارسی و... دانست.

درنهایت به نظر نگارندگان نتیجه حتمی و منطقی رشد مطالعات و پژوهش‌ها درباره اثری کهن، منجر به درک لزوم و ضرورت ابهام‌زدایی از آن متن و تصحیح مجدد ابیات مبهم آن می‌شود. بر همین اساس در دهه نود در مقایسه با سایر دهه‌های پیشین، پژوهش‌گران متعددی به تصحیح مجدد ابیات کوشنامه همت گماشته‌اند و هم‌چنان نیز راه برای این‌دست از آثار و حتی چاپ مجدد این منظومه گشوده است.

نتیجه‌گیری

کوش‌نامه از منظومه‌های پهلوانی سروده‌شده بعد از شاهنامه است. در چند دهه اخیر به دلیل آن‌که چاپ‌های مصحح و منقحی از متون کهن عرضه شده، پژوهش‌های بسیاری درباره هریک از آن‌ها تألیف شده است. همین امر ضرورت ارزیابی این مقالات را برای دریافت برتری‌ها و کاستی‌های ساختاری و محتوایی این آثار اثبات می‌کند. معرفی، بررسی و تحلیل این آثار یا به عبارتی روشن کردن راهی که تاکنون طی شده است، پیمودن ادامه مسیر را برای پژوهش‌گران دیگر آسان‌تر و هموارتر می‌کند و آنان را از تکرار اشتباه‌های گذشته باز می‌دارد. همچنین موضوع‌ها و ظرایف کشف‌نشده یا کم‌تر پرداخته‌شده هر اثر را از سایه غفلت به روشنی آگاهی می‌رساند.

براساس آن‌چه رفت می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که نکاتی نظیر ناهمخوانی عنوان و محتوا، تحلیل‌های شتاب‌زده و گاه نامتقن، بیان مطالب تکراری و موضوع‌های نامتناسب به‌ویژه در میان پژوهش‌های متأخر از بارزترین کاستی‌هاست. در مقابل، تنوع موضوعی مقالات، تصحیح دوباره تعدادی از ابیات مبهم، استفاده از منابع مهم و متعدد، توجه به جغرافیای گسترده منظومه و تحلیل موضوع‌های مشترک میان کوش‌نامه و سایر منظومه‌های پهلوانی از برجسته‌ترین نقاط قوت پژوهش‌ها محسوب می‌شود.

علی‌رغم تلاش‌های بسیاری که در حوزه کوش‌نامه پژوهی انجام گرفته است همچنان بسیاری از جزئیات محتوایی متن که کوش‌نامه را به اثری کم‌بديل تبدیل کرده در سایه مانده است، برای مثال ساختن بت و رواج آن به‌واسطه کوش، جراحی چهره وی و اصلاح گوش‌ها و بینی، نامشخص بودن سرانجام کوش، نقش کم‌رنگ رستم در روایت و حذف هفت‌خان وی از ماجرای نبرد با دیوان مازندران و... افزون بر این در حوزه‌های کلی‌تری چون تصحیح ابیات، بررسی‌های سبک‌شناسانه و زبان‌شناسانه منظومه، تحلیل شخصیت کوش از منظرهای مختلف روان‌شناختی و اسطوره‌شناسی، بررسی‌های روایات‌شناسانه داستان و... همچنان راه برای پژوهش‌هایی نو گشوده است.



یادداشت‌ها

۱. براساس آخرین پژوهش انجام شده درباره صورت صحیح ضبط نام شاعر (نحوی و رضاپور، ۱۳۹۴)، شایسته است نام شاعر منظومه را «ایران‌شان‌بن‌ابی‌الخیر» دانست.
۲. تعدادی از پژوهش‌گران آثاری در حوزه مقاله‌پژوهی نوشته‌اند که هریک دربردارنده نقد و تحلیل پژوهش‌های مربوط به یک شاعر یا یک اثر مجزاست. در ادامه به اختصار به معرفی تعدادی از آنان می‌پردازیم:
- میرباقری فرد و هم‌کاران (۱۳۹۶) مقاله‌ای درباره آسیب‌شناسی مقاله‌های مربوط به مثنوی از منظر توجه به مشرب عرفانی مولوی ارائه داده‌اند.
- گلباف و هم‌کاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی مقاله‌های نوشته شده در بازه زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۳ درباره ناصر خسرو پرداخته‌اند.
- سعادت‌فر و هم‌کاران (۱۴۰۲) به آسیب‌شناسی مقاله‌های مربوط به شاهنامه در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به شناخت کاستی‌های محتوایی و ساختاری مقالات همت گماشته‌اند.
۳. مقاله «چوگان در شاهنامه» نوشته متینی، ابتدا در سال ۱۳۷۷ چاپ شده و مجدد در سال ۱۳۷۹ نیز انتشار یافته است. هم‌چنین «چهره زروان در کوش‌نامه» (۱۳۹۵) نوشته مرضیه ندافی و نعیمه متوسلی چاپ شده در نشریه تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، مجدداً در سال ۱۳۹۵ با عنوان «چهره زروان در کوش‌نامه با روی‌کرد تمثیلی» در فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادبیات فارسی به چاپ رسیده بوده است.

فهرست منابع

- اتونی، بهزاد و بهروز اتونی. (۱۳۹۹). «اسطوره‌زدایی در کوش‌نامه». *متن‌شناسی ادب فارسی*، شماره چهل و پنجم، صص ۱۱۳-۱۲۸.
- اردستانی رستمی، حمیدرضا. (۱۳۹۹). «نگاهی به داستان پلاطس (بردارکردگی عیسی مسیح) در کوش‌نامه و سنجش آن با متن‌های دیگر». *مطالعات ایرانی*، شماره سی و هفتم، صص ۲۴-۴۲.
- ارزشنگی، کامران. (۱۳۹۶). «نقد تصحیح منظومه حماسی کوش‌نامه». *پاژ*، شماره بیست و پنجم، صص ۳۷-۶۶.
- اشرف‌زاده، رضا و زهرا عباسی. (۱۳۹۷). «بررسی شخصیت‌های منظومه‌های حماسی بهمن‌نامه، کوش‌نامه، فرامرزنامه و گرشاسب‌نامه، بر اساس نظریات انسان‌شناسی کارل راجرز و آبراهام مزلو». *علوم ادبی*، شماره چهاردهم، صص ۹-۴۸.
- اکبرزاده، داریوش. (۱۳۹۴). «یادداشتی بر اسطوره ضحاک (مطالعه تطبیقی میان شاهنامه، کوش‌نامه و گزیده‌ای از متون اسلامی)». *ادبیات تطبیقی*، شماره سیزدهم، صص ۱-۱۲.
- اکبرزاده، داریوش. (۱۳۹۹). «به کابل زناگه به کنده رسید» (یادداشتی بر ترکیب کابل/زرنگ-چین/چینستان بر پایه کوش‌نامه). *مطالعات ایرانی*، شماره سی و هشتم، صص ۷-۲۳.
- اکبری مفاخر، آرش. (۱۳۹۱). «بنیادهای اساطیری و حماسی داستان دیوان مازندران در شاهنامه». *ادب حماسی*، سال هشتم، شماره چهاردهم، صص ۳۳-۶۴.
- امیدسالار، محمود. (۱۳۸۴). «یادداشت‌های کوش‌نامه». *فرهنگ ایران زمین*، شماره سی، صص ۳۱۲-۳۳۶.
- آیدنلو، سجاد. (۱۳۸۷). «چند بن‌مایه و آیین مهم «ازدواج» در ادب حماسی ایران (با ذکر و بررسی برخی نمونه‌های تطبیقی)». *دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، سال چهل و یکم، شماره صد و شصتم، صص ۱-۲۳.



- آیدنلو، سجاد. (۱۳۸۷). «موی بر میان بستن (آیین ویژه سوگواری در شاهنامه و متون ایرانی)». *نامه فرهنگستان*، شماره سی و نهم، صص ۱۱۴-۱۱۷.
- بساک، حسن و ناهید توکلی. (۱۳۹۱). «نقش بازرگانان در پیوندهای زناشویی و روند داستان در منظومه‌های حماسی (گرشاسب‌نامه، کوش‌نامه، فرامرزنانه و بهمن‌نامه)». *زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد*، شماره سی و سوم، صص ۸۵-۱۱۲.
- بشیری، علی اصغر. (۱۳۹۸). «ارتباط منظومه کوش‌نامه با پادشاهان کوش در هزاره قبل از میلاد در آفریقا». *آینه میراث*، سال هفدهم، شماره دوم، صص ۱۸۱-۲۰۲.
- تفضلی، احمد. (۱۳۸۶). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. به کوشش ژاله آموزگار. تهران: سخن.
- حاجی‌رحیمی، فاطمه و اقدس فاتحی و محمود مهرآوران. (۱۴۰۰). «اثرپذیری مقدمه کوش‌نامه از دیباچه شاهنامه با تأکید بر تحمیدیه». *نقد ادبی و بلاغت*، سال دهم، شماره چهارم، صص ۳۶-۵۸.
- حدادی، الهام و حسین نجف دری و ابوالقاسم راد فر. (۱۳۹۳). «سفر به جهان زشت‌رویی کوش با تغییر پیرنگ گفتمان روایی کوش‌نامه از ژانر حماسی به ژانر عرفانی». *کهن‌نامه ادب پارسی*، سال پنجم، شماره دوم، صص ۹۹-۱۲۴.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۶). *حماسه پدیده‌شناسی تطبیقی شعر پهلوانی*. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- خوارزمی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). «یکی از ژرف‌ساخت‌های آزمون همسرگزینی در حماسه ملی و بن‌مایه برون‌همسری». *ادبیات حماسی*، سال دوم، شماره چهارم، صص ۲۹-۵۲.
- دزفولیان، کاظم و عباس شنکایی و مجتبی دماوندی. (۱۳۹۴). «بررسی برخی هم-پوشانی‌ها و اختلافات بین شاهنامه، گرشاسب‌نامه و کوش‌نامه در مورد جمشید، فریدون، مازندران و...». *تاریخ ادبیات*، شماره سوم، صص ۸۹-۱۰۵.
- دشتبان، زهرا. (۱۳۸۹). «بررسی و معرفی برخی از قهرمانان اساطیری منظومه کوش‌نامه». *مطالعات ایرانی*، شماره هفدهم، صص ۸۷-۱۰۴.
- رجب‌زاده، هاشم. (۱۳۸۰). «کوش‌نامه و پادشاهی ژاپن». *نامه انجمن*، سال اول، شماره سوم، صص ۱۲۸-۱۵۸.

- رجب‌زاده، هاشم. (۱۳۸۱). «ژاپن در کوش‌نامه». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره پنجاه و ششم و پنجاه و هفتم، صص ۶۵-۷۱.
- رحمان‌زاده، سامان و فاطمه مدرسی و بهمن نزهت. (۱۳۹۸). «ساختار زبان حماسی در کوش‌نامه ایران‌شان‌بن‌ابی‌الخیر». ادب حماسی، شماره بیست و هشتم، صص ۱۴۹-۱۷۳.
- رضایی دشت ارژنه، محمود. (۱۳۹۸). «ملاحظات دربارۀ ضبط و شرح برخی از بیت‌های کوش‌نامه». جستارهای نوین ادبی، شماره دویست و چهارم، صص ۱۲۷-۱۴۹.
- رضائی اول، مریم و اکبر شامیان ساروکلانی. (۱۳۸۸). «گرگ در منظومه‌های حماسی ایران». ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال پنجاه و دوم، شماره دویست و یازدهم، صص ۱۰۵-۱۳۴.
- رضائی اول، مریم و ابراهیم استاجی. (۱۳۹۸). «فیل و بن‌مایه‌های اسطوره‌ای-حماسی و آیینی آن در منظومه‌های حماسی ایران». ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، سال پانزدهم، شماره پنجاه و پنجم، صص ۱۴۱-۱۶۶.
- ریاحی زمین، زهرا و عظیم جبار ناصر. (۱۳۹۱). «بررسی کارکرد دیو در منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه». بوستان ادب، سال چهارم، شماره دوم، صص ۹۹-۱۲۸.
- زرین‌کوب، روزبه و کلثوم غضنفری و احسان محمدی. (۱۳۹۶). «خرد در منظومه‌های حماسی فارسی و سنجش آن با متون زرتشتی (مطالعه موردی: گرشاسب‌نامه، بهمن‌نامه و کوش‌نامه)». ایران‌شناسی، سال هفتم، شماره دوم، صص ۶۷-۸۲.
- ستاری، رضا و قدسیه رضوانیان و سوگل خسروی. (۱۳۹۶). «توتم در منظومه‌های حماسی پس از شاهنامه باتکیه بر منظومه‌های گرشاسب‌نامه، سام‌نامه، کوش‌نامه، برزنامه». متن‌شناسی ادب فارسی، سال نهم، شماره چهارم، صص ۷۱-۹۱.
- سعادت‌فر، زهرا و ابوالقاسم قوام و محمدجعفر یاحقی. (۱۴۰۲). «آسیب‌شناسی مقالات عرصۀ فردوسی و شاهنامه در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵». ادب حماسی، سال نوزدهم، شماره اول، صص ۱۴۳-۱۷۲.



- سلیمانی، قهرمان. (۱۳۷۸). «حماسه کوش نامه». کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره نوزدهم، صص ۳۰-۳۱.
- شامیان ساروکلائی، اکبر. (۱۳۸۷). «آیین تدفین سکاها بر پایه سروده های حماسی ایران». پاز، سال اول، شماره چهارم، صص ۲۱۹-۲۳۸.
- شاه بدیع زاده، مهدخت و رضا اشرف زاده. (۱۳۹۷). «تحلیل کهن الگویی شخصیت «کوش پیل دندان» با روی کرد به کهن الگوهای «پیر خردمند» و «ولادت دوباره». ادب حماسی، شماره بیست و هشتم، صص ۱۵۵-۱۷۳.
- شمیسا، سیروس و شوبانه صراف. (۱۳۹۶). «سرگذشت اومروس و اومریسم». ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، شماره چهل و هشتم، صص ۱۵۹-۱۹۶.
- صادقی نقد علی علیا، فاطمه و علی اصغر بشیری. (۱۳۹۷). «بررسی و مقایسه داستان «کوش پیل دندان» در کوش نامه و طومارهای نقالی». فرهنگ و ادبیات عامه، شماره بیست و چهارم، صص ۶۹-۹۲.
- صرفی، محمدرضا و محمود مدبری و محمدصادق بصیری و حسین میرزا نیکنام. (۱۳۸۷). «انواع ادبی در حماسه های ملی ایران». گوهر گویا، سال دوم، شماره هشتم، صص ۱-۳۲.
- صرفی، محمدرضا و اکرم مریخی. (۱۳۸۸). «اسطوره انسان جانور در کوش نامه و گرشاسب نامه». مطالعات ایرانی، سال هشتم، شماره پانزدهم، صص ۹۷-۱۱۳.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۴). حماسه سرایی در ایران. تهران: انتشارات فردوسی.
- طالبان، علی رضا و محمدهادی خالق زاده و مهدی فاموری. (۱۴۰۰). «غریو و خروش پهلوانان در حماسه های پس از شاهنامه تا قرن نهم». زبان و ادبیات فارسی، سال دوازدهم، شماره اول، صص ۹۹-۱۱۸.
- علوی مقدم، محمد و حسین کیخسروی. (۱۳۹۵). «تحلیل تطبیقی داستان ضحاک بر اساس روایت کوش نامه». مطالعات نظریه و انواع ادبی، سال اول، شماره دوم، صص ۷-۲۰.

- غفوری، رضا. (۱۳۹۶). «بررسی چند روایت از نبرد ایرانیان با دیوهای مازندران در متون پهلوانی پس از شاهنامه». *زبان و ادبیات فارسی*، سال بیست و پنجم، شماره هشتاد و سوم، صص ۲۰۹-۲۳۰.
- غفوری، رضا. (۱۳۹۹). «نگاهی به خاستگاه احتمالی روایات کوش پیل دندان». *مطالعات فرهنگ و هنر آسیا*، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۹۳-۲۱۵.
- غیبی، سید غلامرضا. (۱۳۹۶). «اسب در میدان رزم و بزم (با استناد به منظومه‌های پهلوانی و حماسی پس از شاهنامه: گرشاسب‌نامه، بهمن‌نامه، کوش‌نامه و فرامرزنامه)». *بهارستان سخن*، سال چهاردهم، شماره سی و پنجم، صص ۲۵-۴۸.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). *شاهنامه*. به کوشش جلال خالقی مطلق. تهران: سخن.
- فیروزمند، مهرناز و جهان دوست سبزی‌پور و احمد رضا نظری چروده. (۱۴۰۱). «رابطه همسرگزینی جمع‌گرا یا فردگرا با پایداری ازدواج در متون کهن حماسی». *بهارستان سخن*، سال نوزدهم، شماره پنجاه و پنجم، صص ۱۳۹-۱۵۶.
- کویا، فاطمه و عاطفه سادات موسوی. (۱۳۸۹). «تجزیه و تحلیل حکایاتی از کوش‌نامه براساس نظریه ولادیمیر پراپ». *مطالعات داستانی*، سال اول، شماره اول، صص ۱۰۳-۱۲۲.
- کیخا، موسی و زهرا اختیاری و ابوالقاسم قوام. (۱۳۹۷). «مفهوم شناسی آز در حماسه‌های پس از شاهنامه با تاکید بر کوش‌نامه و فرامرزنامه». *متن‌شناسی ادب فارسی*، سال دهم، شماره چهارم، صص ۴۱-۵۵.
- گازرانی، ساقی. (۱۳۹۹). *کوش پیل دندان خلق یک صدقهرمان*. ترجمه سیما سلطانی، تهران: مرکز.
- گلباف، کاظم و ابوالقاسم قوام و محمد تقوی. (۱۳۹۷). «آسیب‌شناسی در مقاله‌های فارسی ناصر خسرو پژوهی از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۳». *جستارهای نوین ادبی*، سال پنجاه و یکم، شماره سوم، صص ۷۱-۹۶.
- متینی، جلال. (۱۳۶۵). «ترجمه منظوم دیگری از یادگار بزرگ‌مهر». *ایران‌نامه*، شماره هفدهم، صص ۱۱۵-۱۴۲.



- متینی، جلال. (۱۳۶۶). «کوش یا گوش». *ایران نامه*، شماره بیست و یکم، صص ۱-۱۴.
- متینی، جلال. (۱۳۶۹). «فریدون و سرزمین آفتاب تابان». *ایران شناسی*، شماره پنجم، صص ۱۶۰-۱۷۷.
- متینی، جلال. (۱۳۷۰ الف). «خواب‌های اهورایی آبتین». *ایران شناسی*، سال سوم، شماره دهم، صص ۳۶۹-۳۸۱.
- متینی، جلال. (۱۳۷۰ ب). «روایتی دیگر درباره ایرج و تور و سلم و بخش کردن جهان». *ایران شناسی*، شماره نهم، صص ۱۴۸-۱۵۹.
- متینی، جلال. (۱۳۷۷). «چوگان در کوش نامه». *نامه فرهنگستان*، سال چهارم، شماره سوم، صص ۱۹۰-۱۹۳.
- متینی، جلال. (۱۳۷۸). «برخی از نیرنگ‌های کارزار در کوش نامه (به یاد استادم ذبیح الله صفا)». *ایران شناسی*، سال یازدهم، شماره سوم، صص ۶۴۹-۶۶۷.
- متینی، جلال. (۱۳۷۹). «نامه‌ها». *نامه فرهنگستان*، شماره پانزدهم، صص ۱۹۰-۱۹۴.
- مدبری، محمود. (۱۳۹۸). «ایران‌شان و طالع فریدون». *پاژ*، شماره سی و هشتم، صص ۱۹-۲۶.
- مشتاق‌مهر، رحمان و سجاد آیدنلو. (۱۳۸۶). «که آن ازدها زشت پتیاره بود (ویژگی‌ها و اشارات مهم بن‌مایه «ازدها و ازدهاکشی» در سنت حماسی ایران)». *پژوهش‌های ادب عرفانی*، شماره دوم، صص ۱۴۳-۱۶۸.
- مقصودی نژاد، مرتضی و مجید حاجی زاده و مریم غلامرضاییگی، (۱۴۰۰). «پیش‌گویی در منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه». *نقد ادبی و بلاغت*، سال دهم، شماره سوم، صص ۱۹۲-۲۱۴.
- ملک‌پور علمداری، منیژه و سکینه رسمی. (۱۳۹۶). «مبانی کشورداری در حماسه کوش نامه». *ادبیات فارسی*، شماره سی و هشتم، صص ۲۲۷-۲۴۶.
- موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۹۳). *تاریخ جامع ایران*. ج ۵، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

- مهرداد، حامد. (۱۳۹۹). «بازنمایی بدن و تحلیل کنش‌های بدنی ضد قهرمان در منظومهٔ حماسی کوش‌نامه». *ادب حماسی*، شمارهٔ بیست‌ونهم، صص ۲۹۹-۳۲۱.
- میرباقری‌فرد، سید علی‌اصغر و احسان رئیسی و مهرنوش بیات. (۱۳۹۶). «آسیب‌شناسی مقاله‌های مثنوی‌پژوهی از نظر توجه به مشرب عرفانی مولوی». *متن‌شناسی ادب فارسی*، سال پنجاه‌وچهارم، شمارهٔ سوم، صص ۱۷-۳۴.
- نادری، فرهاد و سمیه نادری. (۱۳۹۷). «کارکرد نظریه «ترامنتیت» ژنت در کشف و واکاوی تاثیرپذیری کوش‌نامه از شاهنامه». *متن‌شناسی ادب فارسی*، شمارهٔ سی‌وهفتم، صص ۱۶۹-۱۸۷.
- ناشناس. (۱۳۱۸). *مجمل التواریخ و القصص*. تصحیح ملک الشعراء بهار، تهران: چاپخانهٔ خاور.
- ناشناس. (۱۳۹۹). *مجمل التواریخ و القصص*. تصحیح و تحقیق اکبر نحوی، تهران: سخن.
- نحوی، اکبر. (۱۴۰۱). «اصلاح بیت‌هایی از کوش‌نامه». *نقش خیال مجموعه مقالات ادبی و تاریخی*. نشر سخن با هم‌کاری بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، صص ۲۳۵-۲۷۷.
- نحوی، اکبر. (۱۴۰۱). «کاگوی یا کوش پیل‌دندان». *نقش خیال مجموعه مقالات ادبی و تاریخی*. نشر سخن با هم‌کاری بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، صص ۲۲۷-۲۳۳.
- نحوی، اکبر و سارا رضاپور. (۱۳۹۴). «ملاحظات دربارۀ منظومۀ بهمن‌نامه». *ادب حماسی*، سال یازدهم، شمارهٔ نوزدهم، صص ۱۱-۲۶.
- نحوی، اکبر و رضا غفوری. (۱۳۹۰). «ده دیو از فارسی میانه تا منظومۀ فرامرزن‌نامه». *بوستان ادب*، سال سوم، شمارهٔ چهارم، صص ۱۶۷-۱۸۶.
- ندافی، مرضیه و نعیمه توسلی. (۱۳۹۴). «چهرۀ زروان در کوش‌نامه». *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، شمارهٔ بیست‌وپنجم، صص ۱۶۳-۱۸۴.
- ندافی، مرضیه و نعیمه توسلی. (۱۳۹۵). «چهرۀ زروان در «کوش‌نامه» با روی‌کرد تمثیلی». *تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی*، شمارهٔ بیست‌وهفتم، صص ۱۰۳-۱۲۳.



- وثوقی، محمدباقر. (۱۳۹۳). «نام قدیم «کره» در متون جغرافیایی و تاریخی؛ یافته‌هایی نو در نسخه‌های خطی فارسی». *پژوهش‌های علوم تاریخی*، سال ششم، شماره دوم، صص ۱۳۵-۱۵۰.

- ورهرام، لیلا. (۱۳۹۴). «ملاحظات درباره بهمن‌نامه: خاستگاه داستان، زمان و مکان سرایش آن». *ایران‌شناسی*، سال ۵، شماره اول، صص ۹۹-۱۱۶.

- هاشمی، سید ابوالحسن و محمود فیروزی مقدم و مهیار علوی مقدم. (۱۴۰۰). «مطالعه تأثیرات خودشناسانه پدیده اجتماعی «سفر» در منظومه کوش‌نامه بر اساس الگوی جوزف کمبل». *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، سال چهارم، شماره چهارم، صص ۶۶۲-۶۷۸.

- الهامی، شراره و رضا برزویی و الهام افشه. (۱۳۹۸). «جایگاه زن در کوش‌نامه». *مجموعه مقالات هشتمین همایش ملی متن پژوهی*، صص ۳۷۱-۳۸۱.

- هامین آنتیلا، یاکو. (۱۳۹۹). *خداینامگ شاهنامه فارسی میانه*. ترجمه مهناز بابایی، تهران: مروارید.

-C. M. Bowra. (1952) HEROIC POETRY. London.

References

- Atouni, Behzad, and Behrouz Atouni. (2020). "Demythologizing in Kūsh-nāmāh." *Textual Analysis of Persian Literature*, No. 45. 113-128. [in Persian]
- Ardestani Rostami, Hamidreza. (2020). "An Examination of the Story of Platos (The Ascension of Jesus Christ) in Kūsh-nāmāh and its Comparison with Other Texts." *Iranian Studies*, No. 37. 24-42. [in Persian]
- Arjangi, Kamran. (2017). "A Critique of the Correction of the Epic Poems of Kūsh-nāmāh." *Pazh*, No. 25. 37-66. [in Persian]
- Ashrafzadeh, Reza and Abbasi Z. (1397). "An Analysis of the Characters in the Epic Poems of Bahman-nāmāh, Kūsh-nāmāh, Farāmāz-nāmāh, and Garshāsb-nāmāh, Based on the Theories of Carl Rogers and Abraham Maslow." *Literary Sciences*, No. 14. 9-48. [in Persian]
- Akbarzadeh, Dariush. (2015). "A Note on the Myth of Zahhak (A Comparative Study between Shahnameh, Kūsh-nāmāh, and Selected Islamic Texts)." *Comparative Literature*, No. 13. 1-12. [in Persian]

- Akbarzadeh, Dariush. (2020). "Be Kabul Ze Nagah Be Kandeh Resid " (A Note on the Combination of Kabul/Zarang-China/Chinistan based on Kūsh-nāmah)." *Iranian Studies*, No. 28. 7-23 .[in Persian]
- Akbari Mafakher, Arash. (2012). "Mythological and Epic Foundations of the Divan of Mazandaran in Shahnameh." *Epic Literature*, Year. 8 No. 14. 33-64 .[in Persian]
- Omidsalar, Mahmoud. (1384). "Notes on Kūsh-nāmah." *Farhang-e Iranzamin*, No. 30. 312-336 .[in Persian]
- Aydenloo, Sajjad. (2008). "Several Themes and the Important Ritual of 'Marriage' in Iranian Epic Literature (referring and analyzing several Comparative Examples)." *Faculty of Literature and Humanities, Mashhad*. Vol. 41, No. 160. 1-23 .[in Persian]
- Aydenloo, Sajjad. (2008). "To Tie One's Hair at The Waist (The Mourning Ritual in Shahnameh and Iranian Texts)." *Nameh-ye Farhangestan*, No. 93. 114-117 .[in Persian]
- Bassak, Hassan and Nahid Tavakoli. (2012). "The Role of Merchants in Marital Bonds and the Narrative Process in Epic Poems (Garshāsb-nāmah, Kūsh-nāmah, Farāmarz-nāmah, and Bahman-nāmah)." *Persian Language and Literature of The Islamic Azad University of Mashhad*, No. 33. 85-112 .[in Persian]
- Bashiri, Ali Asghar. (2019). "The Connection of the Kūsh-nāmah with Kush Kings in Pre-Millennial Africa." *Ayeneh Miras*, Year. 17 No. 2. 181-202 . [in Persian]
- Tafazoli, Ahmad. (2007). *History of Iranian Literature Before Islam*. Ed. Jaleh Amouzgar. Tehran: Sokhan .[in Persian]
- Hajirahimi, Fatemeh, Aghdas Fatehi, and Mahmoud Mehravaran. (2021). "Preface of Kūsh-nāmah under the influence of the Shahnameh Prologue with Emphasis on Tahmidieh." *Literary Critique and Rhetoric*, Y. 10. No. 4. 36-58 .[in Persian]
- Haddadi, Elham, Hossein Najafdiri, and Abolghasem Radfar. (2014). "Journey to the Ugly World of Koush with the Change of Narrative Discourse plot from Epic to Mystical Genre." *Ancient Persian Literature*, Y. 5 No. 2. 99-124 .[in Persian]
- Khalqi Motlagh, Jalal. (2007). *The Epic of Comparative Phenomenology of Heroic Poetry*. Tehran: Islamic Encyclopedia Center .[in Persian]
- Kharazmi, Hamidreza. (2015). "One of the Deep Structures of the Test for selecting wife in National Epic and the Phenomenon of Exogamy" *Epic Literature*, Y. 2, No. 4. 29-52 .[in Persian]



- Dezfulian, Kazem, Abbas Shankayi, and Mojtaba Damavandi. (2015). "Investigating Certain Overlaps and Differences between Shahnameh, Garshāsb-nāmah, and Kūsh-nāmah regarding Jamshid, Fereydoun, Mazandaran, etc." *History of Literature*, No. 3. 89-105. [in Persian]
- Dashtban, Zahra. (2010). "Investigating and Introducing Several Mythological Heroes in Kūsh-nāmah." *Iranian Studies*, No. 17. 87-104. [in Persian]
- Rajabzadeh, Hashem. (2001). "Kūsh-nāmah and the Kingdom of Japan." *Nameh Anjoman*, Y. 1. No. 3. 128-158. [in Persian]
- Rajabzadeh, Hashem. (2001). "Japan in Kūsh-nāmah." *Ketab-e Mah Tarikh va Joghrafiya*, No. 56&57. 65-71. [in Persian]
- Rahmanzadeh, Saman, Fatemeh Modarresi, and Bahman Nozhat. (2019). "The Structure of Epic Language in Kūsh-nāmah of Iran-Shān-ebn-Abī-al-Khayr." *Epic Literature*, No. 28. 149-173. [in Persian]
- Rezaei Dasht Arjaneh, Mahmoud. (2019). "Observations on Recording and Interpretation of Some Verses of Kūsh-nāmah." *Jostarhayeh Novin Adabi*, No. 224. 127-149. [in Persian]
- Rezaei Aval, Maryam, and Akbar Shamian Sarokla'i. (2009). "The Wolf in Iranian Epic Poems." *Literature and Humanities of the University of Tabriz*. Y. 52. No. 211. 105-134. [in Persian]
- Rezaei Aval, Maryam, and Ebrahim Ostaji. (2019). "Elephant and Its epic Mythological themes and Rituals in Iranian Epic Poems." *Mystical and Mythological Literature*, Y.15. No. 55. 141-166. [in Persian]
- Riyahi Zamin, Zahra, and Azim Jabbare Nasero. (2012). "The Function of Div [Demon] in Post-Shahnameh Heroic Epics." *Boustan-e Adab*, Y.14. No. 2. 99-128. [in Persian]
- Zarrinkoub, Rouzbeh, Kolsoom Ghazanfari, and Ehsan Mohammadi. (2017). "Wisdom in Persian Epic Poems and Its Comparison with Zoroastrian Texts (Case Study: Garshāsb-nāmah, Bahman-nāmah, and Kūsh-nāmah)." *Iranian Studies*, Y. 7. No. 2. 67-82. [in Persian]
- Satari, Reza, Ghodsieh Rezvanyan, and Sogol Khosravi. (2017). "Totem in Epic Poems after Shahnameh with Emphasis on Gharshasb-nāmah, Sam-nāmah, Kūsh-nāmah, and Borzu-Nāma." *Textual Studies in Persian Literature*, Y. 9 No. 4. 71-91. [in Persian]
- Saadatifar, Zahra, Abolqhasem Ghavam, and Mohammad Jafar Yahaghi. (2023). "An Analysis of Articles on Ferdowsi and Shahnameh in the Years 1380 to 1385." *Epic Literature*, Y. 19. No. 1. 143-172. [in Persian]

-
- Soleimani, Ghahraman. (1999). "The Epic of Kūsh-nāmah." *Ketab-e Mah Literature and Philosophy*, No. 19. 30-31 .[in Persian]
 - Shamian Sarokla'i, Akbar. (2008). "The Scythian Burial rites Based on Iranian Epic Poems." *Pazh*, Y. 1. No. 4. 219-238 .[in Persian]
 - Shah Badi'zadeh, Mahdokht, and Reza Ashrafzadeh. (2018). "Archetypal Analysis of the Character of Koush, the Pildandan using the Archetype of 'Wise Old Man ' and 'Rebirth'." *Epic Literature*, No. 26. 155-173 .[in Persian]
 - Shamisa, Cyrus, and Shoubaneh Sarraf. (2017). "The Story of Oumrouss and Oumrism." *Mystical and Mythological Literature*, No. 48. 159-196 .[in Persian]
 - Sadeghi Naghad Olia, Fatemeh, and Ali Asghar Bashiri. (2018). "The Study and Comparison of the Story 'Koush, the Pildandān' in Kūsh-nāmah with its counterpart in Naqqali Scrolls." *Culture and Folk Literature*, No. 24. 69-92 .[in Persian]
 - Sarfi, Mohammad Reza, Mahmoud Madaberi, Mohammad Sadegh Basiri, and Hossein Mirza Niknam. (2006). " Literary Genres in National Epics of Iran." *Gohar-e Guya*, Y. 2. No. 8. 1-32 .[in Persian]
 - Sarfi, Mohammad Reza, and Akram Merikhi. (2007). "The Myth of Human-Animal in Kūsh-nāmah and Gharshasb-nāmah." *Iranian Studies*, Y. 8 No. 15. 97-113 .[in Persian]
 - Safa, Zabihollah. (1995). *Epic Composition in Iran*. Tehran: Ferdowsi .[in Persian]
 - Taleban, Ali Reza, Mohammad Hadi Khaleghzadeh, and Mehdi Famouri. (2021). "The UpRoar and the Outcry of Champions in Epic Poems after Shahnameh until the 9th Century." *Persian Language and Literature*, Y.12. No. 1. 99-118 .[in Persian]
 - Alavi Moghadam, Mohammad, and Hossein Keykhosravi. (2016). "A Comparative Analysis of the Story of Zahak Based on the Narrative of Kūsh-nāmah." *Theoretical and Literary Studies*, Y.1. No. 2. 7-20 .[in Persian]
 - Ghaffouri, Reza. (2017). "An Examination of Several Narratives of the Battle of Iranians with the Divs [Demons] of Mazandaran in Heroic Texts after Shahnameh." *Persian Language and Literature*, Y. 25, No. 83. 209-230 . [in Persian]
 - Ghaffouri, Reza. (2020). "A Look at the Possible Origins of the Narratives of Koush, the Pildandan." *Studies in Asian Culture and Art*, Y. 2. No. 2. 193-215 .[in Persian]



- Gheybi, Seyyed Gholam Reza. (2017). "The Horse in battlefield and Festivity (According to Pahlavani and Epic Poems after Shahnameh: Gharshasb-nāmah, Bahman-nāmah, Kūsh-nāmah, and Farāmarz-nāmah)." *Baharestan-e Sokhan*, Y. 14 No. 35. 25-48 .[in Persian]
- Ferdowsi, A. (2014). **Shahnameh**. By the effort of J. Khaleghi Motlagh. Tehran: Sokhan.[in Persian]
- Firoozmand, Mehrnaz, Jahandoost Sabzalipour, and Ahmadreza Nazari Choroudeh. (2022). "The Relationship between Collectivist or Individualistic Mate Selection and Marriage Stability in Ancient Epic Texts." *Baharestan Sokhan*, Y. 19. No. 55. 139-156 .[in Persian]
- Koopa, Fatemeh and Atefeh Sadat Mousavi. (2010). "Analysis of Tales from Kūsh-nāmah Based on Vladimir Propp's Theory." *Literary Studies*, Y.1 No. 1. 103-122 .[in Persian]
- Keikha, Mousa, Zahra Akhtari, and Abolghasem Ghavam. (2018). "The Concept of Greed in Post-Shahnameh Epics with Emphasis on Kūsh-nāmah and Farāmarz-nāmah." *Textual Studies in Persian Literature*, Y.10. No. 4. 41-55 .[in Persian]
- Gazorani, Saqi. (2016). *Koush, the Pil-dandan: The Creation of an Anti-Hero*. Trans. S. Soltani, Tehran: Markaz .[in Persian]
- Golbaf, Kazem, Abolghasem Ghavam, and Mohammad Taghavi. (2018). "The Pathology in Persian articles regarding research on Nasser Khosrow from 1300 to 1393." *Jostarhaye Novin-e Adabi*, Y. 51 No. 3. 71-96 .[in Persian]
- Matini, Jalal. (1986). "Another versified translation of Yadegar-e Bozorgmehr." *Irannameh*, No. 17. 115-142 .[in Persian]
- Matini, Jalal. (1987). "Koush or Goush." *Irannameh*, No. 21. 1-14 .[in Persian]
- Matini, Jalal. (1990). "Fereydoun and the Land of the Shining Sun." *Iran Shenasi*, No. 5. 160-177 .[in Persian]
- Matini, Jalal. (1991). "Divine Dreams of Abtin." *Iran Shenasi*, Y. 3 No. 10. 369-381 .[in Persian]
- Matini, Jalal. (1991). "Another Narrative regarding Iraj, Tur, Salm, and the Division of the World." *Iran Shenasi*, No. 9. 148-159 .[in Persian]
- Matini, Jalal. (1998). "Polo in Kūsh-nāmah." *Nameye Farhangestan*, Y.4 No. 3. 190-193.
- Matini, Jalal. (1999). "Some Warfare Strategies in Kūsh-nāmah (In Memory of My Teacher, Zabihollah Safa)." *Iran Shenasi*, Y. 11. No. 3. 649-667 .[in Persian]

-
- Matini, Jalal. (2000). "Letters." *Nameye Farhangestan*, No. 15. 190-194 .[in Persian]
 - Modaberi, Mahmoud. (1398). "Iran-shan and Fereydoun's Fate." *Pazh*, No. 26. 19-26 .[in Persian]
 - Moshtaghmehr, Rahman and Sajjad Aydenloo. (2007). "Ke An Azhdeha Zesht Patyare Boud (Characteristics and Important References to 'Dragon and Dragon Slaying' in Iranian Epic Tradition)." *Pajouheshha-ye Adab-e Erfani*, No. 2. 143-168 .[in Persian]
 - Moghaddasi Nezhad, Morteza, Majid Hajizadeh, and Maryam Gholamreza Beigi. (2021). "Prediction in Pahlavani Poems after Shahnameh." *Literary Criticism and Rhetoric*, Y.10. No. 3. 192-214 .[in Persian]
 - Malekpour Alamdari, Manijeh and Sakineh Rasmi. (2017). "The Fundamentals of Governing a country in Kūsh-nāmah Epic." *Persian Literature*, No. 38. 227-246 .[in Persian]
 - Mousavi Bojnourdi, Kazem. (2014). *Comprehensive History of Iran*. Vol. 5. Tehran: Markaz-e Da'irat al-Ma'arif-e Bozorg-e Islami .[in Persian]
 - Mehrad, Hamed. (2020). " Body Representation and Analysis of Anti-Hero's Physical Actions in the Epic Poems of Kūsh-nāmah." *Epic Literature*, No. 29. 299-321 .[in Persian]
 - Mirbagherifard, Seyyed Ali Asghar, Ehsan Raeesi, and Mehrnoush Bayat. (2017). "The Criticism of Masnavi Researches from the Perspective of Mowlavi's Mystical Disposition." *Textual Analysis of Persian Literature*, Y. 54. No. 3. 17-34. [in Persian]
 - Naderi, Farhad, and Somaye Naderi. (1397). "The Function of the Transtextuality Theory in the Discovery and Exploration of the Influence of Shahnameh over Koushnameh." *Text Analysis of Persian Literature*, No. 37. 169-187 .[in Persian]
 - Anonymous. (1939). "*Mojmal al-Tawarikh wa al-Qesas*." Edited by Malek al-Shoara Bahar, Tehran: Khavar .[in Persian]
 - Anonymous. (2020). "*Mojmal al-Tawarikh wa al-Qesas*." Edited and researched by Akbar Nahavi, Tehran: Sokhan .[in Persian]
 - Nahavi, Akbar. (2022). "Correction of Verses from Kūsh-nāmah." *Naghsh-e Khial, a collection of literary and historical articles*. In collaboration with the Endowment Foundation of Dr. Mahmoud Afshar, Tehran: Sokhan 235-277 .[in Persian]
 - Nahavi, Akbar. (2022). "Kakouy or Koush, the Pil-dandan." *Naghsh-e Khial, a collection of literary and historical articles*. Sokhan Publications in



collaboration with the Endowment Foundation of Dr. Mahmoud Afshar, 227-233. [in Persian]

- Nahavi, Akbar and Sara Rezapour. (2015). "Observations on the Bahman-nāmah." *Epic Literature*, Y. 11. No. 19. 11-26. [in Persian]
- Nahavi, Akbar and Reza Ghaffouri. (2011). "Ten Divs from Middle Persian to Farāmarz-nāmah." *Boustan-e Adab*, Y. 3. No. 4. 167-186. [in Persian]
- Nadafi, Marzieh and Naimeh Tavasoli. (2015). "The Face of Zravan in Kūsh-nāmah." *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dekhoda)*, No. 25. 163-184. [in Persian] *Allegorical Research in Persian Language and Literature*, No. 28. 103-123. [in Persian]
- Vosoughi, Mohammad Bagher. (2014). "The Ancient Name 'Koreh' in Geographical and Historical Texts; New Findings in Persian Manuscripts." *Historical Sciences Research*, Y. 6. No. 2. 135-150. [in Persian]
- Varahram, Leila. (2015). "Observations on Bahman-nāmah: Its Origin, Time, and Place of Composition." *Iranian Studies*, Y. 5. No. 1. 99-116. [in Persian]
- Hashemi, Seyyed Abolhasan, Mahmoud Firouzi Moghadam, and Mahyar Alavimoghadam. (2021). "The Study of the Selfrecognition Effects of the Social Phenomenon of 'Journey' in Kūsh-nāmah Based on Joseph Campbell's Pattern." *Iranian Political Sociology*, Y. 4. No. 4. 662-678. [in Persian]
- Elhami, Sharareh, Reza Borzoui, and Elham Afshah. (2019). "The Standpoint of Woman in Kūsh-nāmah." *Collective Articles in the 8th National Text Analysis Conference*, 371-381. [in Persian]
- Hameen-Anttila, Jaackko. (2020). *Khwadaynamag: The Middle Persian Book of Kings*. Trans. Mahnaz Babaei, Tehran: Morvarid.
- C. M. Bowra. (1952). *Heroic Poetry*. London.